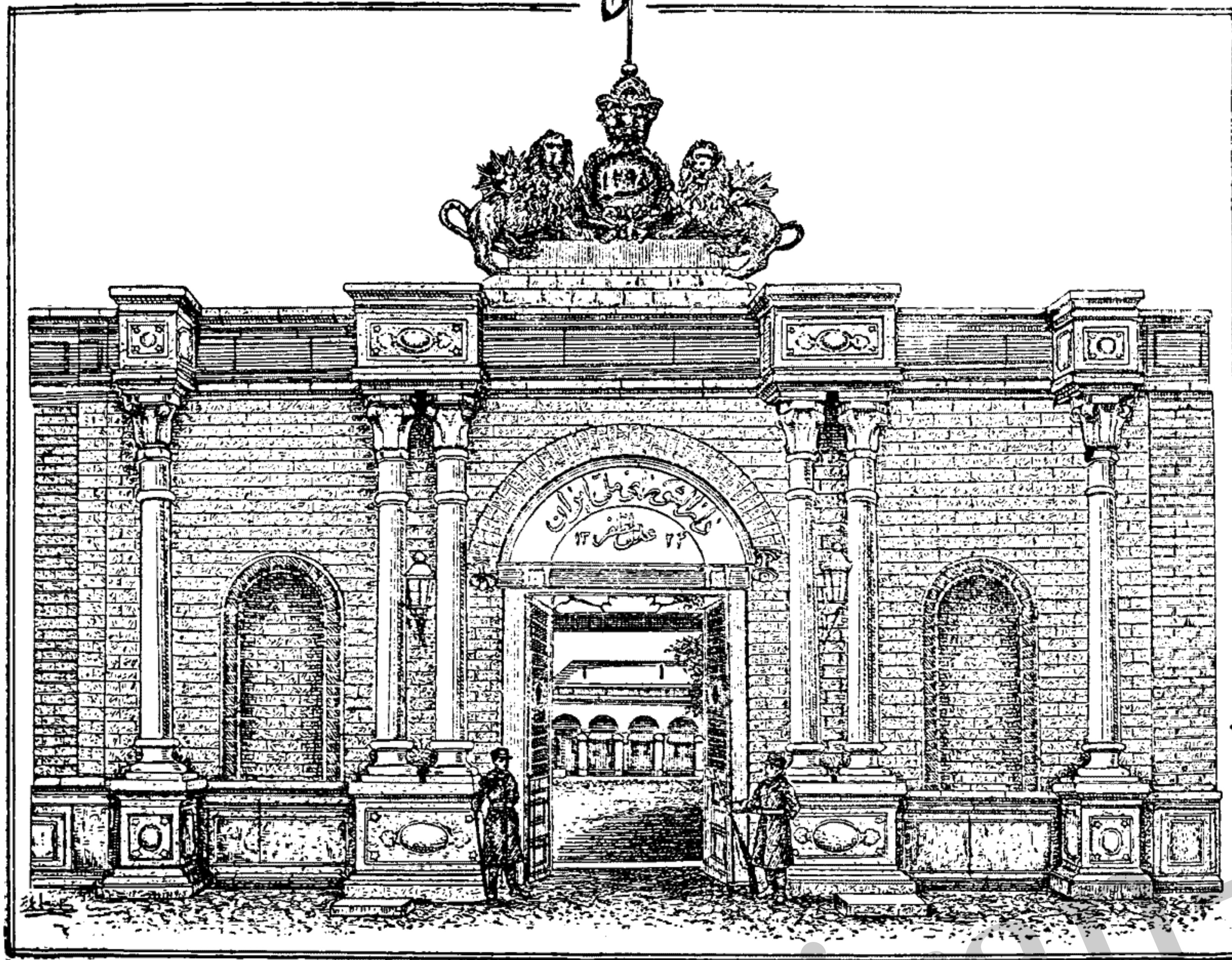


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۱۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۷۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يكشنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>



## فهرست مندرجات



# مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ذیحجه ۱۳۴۵

## جلسه ۱۱۴

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست  
آقای بیرنیا تشکیل گردید)  
(صورت مجلس پنجشنبه ۱۱ خرداد را  
آقای نئی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: عمادی - اسفندیاری - نظام مافی - سیدابراهیم  
ضیاء - شریعت زاده - حشمتی - حمیدری مکاری - نوبخت -  
فرشی - زعیم - افخمی - آیه الله زاده اصفهانی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بجزیره شعبه اول راجع به نمایندگی آقای معتضد استرآبادی و انتخابات استرآباد و تصویب نمایندگی منتخب مزبور	۱۵۸۰	۱۵۸۷
۲	قرائت بزرگام کابینه آقای هدایت از طرف آقای رئیس الوزراء و مذاکره در اطراف آن	۱۵۸۷	۱۶۰۱



غائبین بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: علی خان اعظمی - دکتر مصدق - حاج حسن  
آقا ملک

در آمدگان اجازه جلسه قبل  
آقایان: شبروائی - محمد ولیخان اسدی - ذوالقدر -  
دشتی - میرزا محمد تقی بهار - دیون بیگی  
در آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: مرتضی قلیخان بیات - عباس میرزا - حاج  
شیخ بیات

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟  
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد  
رئیس - خبر شعبه اول راجع به نماینده استرآباد  
مطرح است. آقای افسر و آقای زوار مخالف بودند  
آقای افسر -

افسر - بنده چون افتخار عضویت فرا کسیون استقلال  
را دارم و تصمیم قطعی راجع بمخالفت در این موضوع  
نگرفته اند بنا بر این از اظهار مخالفت خود داری نموده  
و در موقع رأی عقیده خود را عملی خواهم کرد.  
رئیس - آقای زوار

زوار - بدون هیچ مقدمه اولاً به عظمت خداوند  
عالیمان قسم میخورم که این مخالفت من با حب  
و بغض شخصی هیچ ارتباط نداشته جز اجرای قانون و  
مراعات قسم قرآن که در پشت این کرسی خطابیه برای  
حفظ قانون خورده ام مقصود من برای حصول این  
مقصود بعد از فضل خداوند متعال جز بوجدان پاک  
و عقیده دنیائی نمایندگان محترم اتکالی ندارم برای من هیچ  
جای شبهه و تردید نیست که سوگند کلام الله مجید همیشه  
و در هر موقع نصب العین آقایان نمایندگان معظم بوده و  
برای اینکه شاید از کثرت گرفتاری بامورات ملی و  
انجام وظیفه مضمون آن در خاطر مبارکشان مانده باشد

اجازه میخواهم بکمرتبه او را قرائت و شروع بمطلب  
نمایم. من که ذیلاً امضا می نمایم خداوند را بشهادت  
طلبیده.....

کازرونی - این وضع حرف زدن نیست

زوار - بنوبه خودت حرف زن

رئیس - آقایان زاکت بفرمائید

زوار - نمیگذارند عرایض را بکم وظیفه حضرت  
اشرف است که جلو ببری بفرمائید.

و بقرآن قسم یاد میکنم مادامیکه حقوق مجلس و  
مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی  
را که من رجوع شده است مهیا امکان با کمال راستی و  
درستی و جدو جهد انجام داده و نسبت به اعلیحضرت  
شاهنشاه متبوع مفخم خود صدیق و راستگو باشم و به اساس  
سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ منظوری  
نداشته باشم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران -  
یکی از ارکان این قسمنامه خیانت نکردن بمقوق ملت است  
که افراد نمایندگان محترم در حفظ آن بکلام الله المجید سوگند  
یاد فرموده اند. یکی از حقوق حقه ملت در شرع تمدن دنیا و در  
شریعت غرایی خاتم انبیا صلی الله علیه و آله وسلم حقی است  
که برای تشکیل حکومت شوروی و انتخاب نمایندگی  
برای ملت مقرر شده و بعقیده بنده هر کس در هر لباس  
به این حق خیانت بکند بی اعتنائی خود را بدیانت  
اعلام کرده است. بنده عرض نمیکنم که خدای نکرده  
انجمن نظار مرکزی استرآباد یا اعضاء محترم شعبه اول  
عامداً و عالماً بملت نجیب استرآباد کم لطفی کردند بلکه  
عقیده کامل من این است که اشتباه فرمودند و اشتباه  
برای هر نوری روحی غیر از انبیا و اولیا وارد و مورد  
ملامت نیست اینک برای رفع اشتباه از اعضاء محترم  
شعبه اول و برای استحضار خاطر مبارک نمایندگان  
معظم که بوجدان پاک و نیت تابناک آنها متکی هستم  
دلایل و مدارک خود را ارائه و بعرض مبارکشان  
میرسانم و استدعای بذل توجه و قضاوت عادلانه را می نمایم

مطابق این صورت مجلس رسمی انجمن نظارت مرکزی  
که بنظر آقایان نمایندگان محترم میرسانم و میتوانم ملاحظه  
بفرمایند مینویسد: آقای امیر امجد با اکثریت ۴۹۳۸ رأی به  
نمایندگی معین شدند و آقای معتضد الاسلام در درجه  
دوم ۴۱۷۳ رأی در درجه سوم آقای دکتر عباس خان  
۵۶۸ رأی جلسه هفت ساعت از شب گذشته ختم شد  
جلسه دیگر برای لیل ۱۶ اسفند در مسجد کلشن  
تشکیل خواهد شد اعضاء انجمن نظار حاج شیخ علی  
حاج شیخ محمد رضا - علی اکبر - حسنعلی کر -  
سید عباس - محمد هادی طاهری - الی آخر - صورت مجلس  
هم اینجا است و آقایان میتوانند فرد فرد ملاحظه  
بفرمایند مطابق این صورت مجلس رسمی انجمن نظار  
استرآباد امیر امجد وکیل رسمی استرآباد است مطابق  
این صورت مجلس هم در تاریخ هیجدهم اسفند ماه تلگراف  
مخبر از حکومت استرآباد میرسد که بعرض میرسانم:  
(این تلگراف رسمی وزارت داخله است): وزارت تجلیله داخله  
مطابق راپرت نمبر ۱۲۹ انجمن مرکزی شب پانزدهم اسفند  
آراء بندر جز قرائت من حیث المجموع امیر امجد ۴۹۲۸  
معتضد ۴۷۳ رأی داشتند امیر امجد حائز اکثریت گردیدند  
۱۷ اسفند نمبر ۱۷۲۳ - عمار لوائی حکومت استرآباد.

البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند که  
صحت انتخاب منتخب تصدیق رسمی انجمن نظار و حکومت  
محل است و بموجب این صورت مجلس رسمی و این تلگراف  
رسمی نمبر دار حکومت جای هیچ شک و تردیدی برای  
احدی باقی نمی ماند که آقای معتضد در درجه دوم و آقای  
امیر امجد در درجه اول هستند و هر عملی بعد از این  
بشود جز صیغه اخوت با اغراض شخصی و پاپال کردن  
حق ملت و زربا گذاشتن قانون هیچ چیز دیگر نمیشود  
حمل کرد بعد نمیدانم بچه لحاظ و متکی بکدام يك از مواد قانون  
و بچه مستند شرعی و عرفی که برای من بکلی مستور است انجمن  
نظار مرکزی استرآباد پس از ختم انتخابات و اعلان حائز  
اکثریت با انتخابات بندر جز معترض و مدعی میشود که چون

در موقع انتخابات حکومت آنجا نظامی بوده است آراء  
بندر جز لغو است رفقا بمن توصیه که کردند که شعر خوانی  
را در پشت تریبون موقوف کنم  
گوش باز و چشم باز و این عمی

حیرتم از چشم بندی خدا  
در تعقیب ادعا پس از يك سلسله اقدامات مخلف  
قانون وزیر داخله وقت را نیز بر علیه مواد ۴۰ و ۴۱  
قانون انتخابات مجوز کرده مواد راجعه باین موضوع را  
میخواهم - ماده چهارم اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان  
کسی در بین انتخابات شکایت یا ابرادی راجع به انتخابات  
داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح  
آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود

ماده چهارم و یکم - انجمن نظارت بعد از ختم  
انتخابات تا يك هفته شکایت راجع به انتخابات را می  
پذیرد پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در  
طرف بکفته دیگر شکایات واصله رسیدگی می نماید  
ماده چهارم و دوم - متشکبان از انتخابات با انجمن  
نظارت میتوانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات  
خود را در ظرف ماه اول بمجلس شورای ملی اظهار  
نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود شکایات  
راجعه بانقلابانی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل  
میآید باید در ظرف ماه اول بعد از انحلال انجمن نظارت  
بمجلس شورای ملی اظهار شود

مطابق ماده چهارم و دو انجمن نظارت مرکزی و  
وزارت داخله هیچگونه صلاحیت نداشته اند که اعلان  
کنند آراء بندر جز لغو است بواسطه اینکه حکومت  
نظامی بوده است قانون که چنین حقی را نمیدهد با وجود  
تلگراف رسمی حکومت استرآباد منبئی بر اینکه در موقع انتخابات  
اگر حاکم بندر جز نظامی بوده ولی مقررات حکومت نظامی  
ملغی بوده است با راپرت رئیس تلگراف استرآباد که امیر امجد  
در بندر جز حائز اکثریت بوده. با مرسله رسمی ارکان حرب  
کل قشون مورخ سوم ماه هشتم بوزارت داخله که حکومت



در موقع انتخاب بندرجز نظامی نبوده و بعرض آقایان میرسام می نویسد :

وزارت جنگ . ارکان حرب کل قشون مورخه ۱۳۰۵-۸-۳ رکن دوم . وزارت جلیله داخله در جواب مرقومه نمرة ۱۳۳۰۸ راجع بانتخابات بندرجز زحمت میدهد که برطبق رایز واصله از تیپ شمال حکومت نظامی بندر مزبور ملغی و در امر انتخابات اینجا نیز بهیچوجه مداخله نشده است از طرف وزیر جنگ کفیل ارکان حرب کل قشون . حبیب الله شیبانی - بانلگرافات اهالی بندر جز بمجلس مقدس شورای ملی و نمایندگان محترم آقای ساسی و آقای آقایی در صحت انتخابات بندر جز و نبودن حکومت نظامی در موقع انتخابات که یکی یکی از آنها برای استحضار بعرض آقایان محترم میرسام : طهران توسط حضرت آقای ساسی ساحت مقدس دار الشوری ملی شیدالله ارکانه دو کپیبه فرا کسیون مستقل وزارت جلیله داخله یکی از نتایج مسافرت بنده مشاهدات در امور انتخابات استراباد است که فوق العاده متألم ساخته اغراض بی مورد چند نفر اهل شهر و انجمن نظارت نسبت بنمایندگی آقای آقا خان معززی با اینکه انتخابات مطابق تصدیق به اتفاق همین انجمن در سنه قبل ختم فقط مختصر اشکالهایی راجع به آراء بندر جز بوده است که در نتیجه تجدید رأی متأسفانه موفق نگردیدند حالایی سواد بودن انجمن فرعی بلوک ملک را جعل در صورتیکه قطع نظر از اینکه بنده فرداً فرد اهالی بلوک ملک را می شناسم مخصوصاً اعضای انجمن بلوک مزبور را الی آخر بیشتر وقت آقایان را تلف نمیکنم . این امپاری را هم که در تلگرافات متعددی که از بندر جز رسیده رئیس و مدیر پلیس آنجا تصدیق هویت آنها را میکند که اینها اشخاصی هستند محترم و از اهل محل و تلگرافات آنها بهیچوجه آلوده با اغراض شخصی نیست . آقایان درست توجه بفرمایند انتخابات استراباد هشت ماه است تمام شده بعد از هشت ماه اعتراض انجمن نظار آراء بندر جز را لغو میکنند برای چه ؟ برای

اینکه حکومت نظامی بوده است . در این باب عملیاتی می شود . از طرف وزارت جلیله جنگ تکذیب می شود ، وزارت داخله رسماً تکذیب میکند بعد از تمام این چیزها که بعمل می آید آنوقت آراء سابق آنجا از طرف انجمن نظار لغو و از طرف وزارت داخله حکم به تجدید انتخابات آنجا می شود . بنده که والله از گفتن اینها خجالت میکشم . فسانه ها همه خواب آورد فسانه من زدیده خواب رباید فسانه عجبی است : آری وزیر داخله وقت در تحت تاثیر متنفذین محترم مرکز و محجوب بودن در خدمت آقای معتضد الاسلام و وظیفه وزارت و قانون را زیر پا گذاشته و امر به تجدید انتخابات بندر جز میباید و از قضا تطبیق لورقی که بنده مطالعه کرده ام عین دستور آقای معتضد الاسلام را (که بخط مبارک خودشان است) هم اجرا کردند مثلاً به محل مثل بندر جز که در هر سال دویست دویست و پنجاه الی سیصد تعرفه بیشتر برافزوده است مطابق امر کتبی صریح آقای که بخط مبارکشان ترقیم رفته و ملاحظه میفرمائید که چهار هزار تعرفه برای بندر جز معین کرده اند . مرقومه محترم حضرت آقای معتضد الاسلام :

مقام منبع وزارت جلیله داخله

مطابق اطلاعات واصله از استراباد بمجهات غیر معلومی در تجدید انتخاب بندر جز مسامحه و تعلل میشود خواهشمندم در تعقیب احکام سابقه تلگراف مؤکدی بحکومت و انجمن هر دو مخاره شود تا يك ضرب الاجل معین که انتخاب بندر جز را خاتمه دهند و بطوریکه سابقاً هم تصدیق داده بودم چون بندر جز مرکز انتخابیه بلوک اتران است و بلوک اتران اقلأ بیست هزار جمعیت دارد همان مقدار چهار هزار تعرفه را با يك مدت زیاد تری اقلأ نه یا هفت روز باشد که مردم بتوانند برای شرکت در انتخاب حاضر شوند . حضرت آقا معتقدند مطابق یکی از کاغذهای خودشان که در بندر جز هشت هزار نفر تعرفه بگیرد مطابق قانون انتخابات از هر صد هزار نفر یک نفر وکیل

باید انتخاب شود و در این مدت در ایالات و ولایات اینطور بوده است مثلاً شاهرود یک نفر وکیل دارد و در آنجا ده هزار تعرفه توزیع شده : این ده هزار تعرفه برای صد هزار نفر است . اگر درست حساب کنیم و بفرمایش آقا هشت هزار نفر تعرفه بگیرند باید در آنجا هشتصد تعرفه برود دیگر چهار هزار تعرفه چرا ؟ همان هزار نکته باریکتر زمو این جا است . خدا باز بدر حکومت آنجا را بیامرزد که بیش از دو هزار تعرفه نفر ستاده است و اهالی آنجا بیش از دو هزار تعرفه نگرند اند و قبول نکرده اند بالاخره چه درد سر بدیم انتخابات در بندر جز تجدید معذک در اکثریت امیر امجد مؤثر واقع نمی شود . انجمن نظار میبیند بعد از دو ماه رفت يك کاری بکنند نشد ، گفت حکومت نظامی است بالاخره رسماً معذکب شد ، که انجمن نظار هم از تصدیق ناگزیر میشود دیدند مقصود حاصل نمیشود ، حالا چه باید کرد ؟ می چسبند به آراء بلوک ملک و به آراء آنجا اعتراض میکنند ، این اعتراض وقتی است که آراء بلوک کاملاً خوانده شده و آراء کلیه بلوک استراباد هم خوانده شده است و مطابق تلگراف صریح وزارت داخله اکثریت امیر امجد معلوم شده است . باری می چسبند به بنجه بیچاره انجمن نظار بلوک ملک که سه نفر از اعضاء بی سواد بوده اند . خیلی خوب اولاً باید تصدیق کرد که این مسئله سابقه هم دارد و در چندین دوسیه بنده دیدم که بعضی از اعضاء انجمن بی سواد بودند و تصویب شد و بعلاوه رأی سه نفر در نه نفر مؤثر نیست . . . .

کازرونی - هفت نفر بی سواد بوده اند .

زوار - آقای کازرونی آزاد بخواه اجازه بفرمائید ، از روی چه مدرکی میفرمائید ؟ به نوبه خودتان حرف بزنید وقتی که تشریف آوردید اینجا فرمایشات خودتان را بکنید . انجمن نظار بلوک ملک برای حفظ حیثیات خودشان از اهالی استمداد کردند و گفتند ما سواد داریم بیائید امتحان کنید ( جای حضرت آقای وزیر معارف خالی بود )

مجلس امتحان تشکیلی میدهند و آنها امتحان میدهند و پری میگرد ( خنده نمایندگان ) تلگرافات متعددی هم به امضاء اهالی آنجا مرکز میکنند که آقایان میتوانند آن تلگرافات را رسیدگی کنند که تصدیق میکنند که ما سواد داشته ایم و انجمن نظارت آنجا هیچ بی سواد نداشته است و رئیس انجمن مرکزی کاوس نامه امپار آنها را تصدیق میکند حتی آقا محمد علی که یکی از معروفین آنجا است امپار آقا شیخ محمد علی و آقا علی و علی محمد خان و صفر علی خان را تصدیق میکند . بالاخره اینجا هم موفق نمیشوند یعنی نمیتوانند بگویند که اعضاء انجمن بی سواد بوده اند معذکب کلیه انجمن مقدس نظارت مرکزی استراباد از کلیه آراء امیر امجد بعد از هشت ماه ۵۵۴ رأی کسر و آقای معتضد الاسلام را نمایندگی حقیقی استراباد تشخیص داده و به مرکز معرفی میباید . این معرفی بعد از هشت ماه است که امیر امجد را معرفی کرده است . حکومت استراباد هم با قید اینکه چون ۵۵۴ رأی از آراء امیر امجد کسر کرده اند و آقای معتضد الاسلام نماینده شده اند تلگرافاً بوزارت داخله اطلاع میدهد وزارت داخله تعجب می کند که چطور شده است که هشت ماه قبل یکی دیگر را معرفی میکنند و حالا یک نفر دیگر را و حال آنکه در این مدت اعتراضات هم بجهت است فوراً اصل قضیه را تلگرافاً ( که تلگرافش اینجا است ) از آقای حکمران استراباد سؤال میکنند که فوراً اصل قضیه را بگوئید حکومت استراباد هم در جواب این تلگراف را بوزارت داخله مخیره می کند : وزارت داخله سکوت در اظهار نظریه بدو بمناسبت عدم مسئولیت راجع بانتخابات بلوک ملک که متجاوز از يك سال قبل در زمان حکومت آقای میرزا حسن خان رئیس تمام و قرائت شده است بود همین جهت در تلگراف نمرة ۴۰ حسب الوطیفه فقط منتقل نظریه انجمن قناعت کردم پس از رسیدن امر تلگرافی نمرة ۱۵۶۴۳ مورخه سوم فروردین که کپیبه به انجمن هم داشت در صورتیکه قبلاً



انحلال انجمن را در تلگراف نمره ۳۳ مورخه ۱۵ فروردین عرض کرده بودم شروع به تحقیقات نمودم بالطبع بواسطه خواستن اشخاص ذی علاقه از بلوک ملک و مراجعه به دوسیه چند روزی طول کشید در این بین امر تلگرافی نمره ۱۵۶۷۷ زیارت که اعتبار نامه بنام آقای معتضد صادر شود (ملاحظه فرمائید) گمان کرده که وزارت متبوعه به جواب کپیه اعضای انفرادی منحل انجمن متقاعد و استعمال از آقای معتضد فرموده اند لذا برای دفعه دوم ساکت و از عرض نظریه خود داری شد - مطابق این صورت مجلس که عرض کردم اگر آقایان درست دقت بفرمایند صورت مجلس تشخیص میدهد انتخاب امیر امجد را و شروع نمودن به انتخاب نایب بندر جز را و نیز معلوم می شود که وزارت داخله هم گفته است اگر آقای امیر قبول کنند بلی جواب تلگراف وزارت داخله وقتی میرسد که دیگر کار از کار گذشته است و آقای معتضد بنده را بحضور خودشان در سرسرای مجلس مفتخر فرموده بودند. اینک عرض بنده خانم پیدای کرد و برای تکرار و تذکر جدید با آقایان عرض میکنم که بیک فراز کاملاً گوش بدهند، مطابق این صورت مجلس انجمن نظار تصدیق میکنند که امیر امجد وکیل استرآباد است، مطابق این صورت مجلس حکومت محل هم تصدیق میکنند و مطابق این تلگرافی هم که الان خواندم قضیه کاملاً حل میشود یعنی وزارت داخله از حکومت اصل قضیه را سؤال میکند و اصل قضیه هم همین بود که بعرض آقایان رساندم که حکومت می گوید امیر امجد نماینده رسمی استرآباد است و آقای معتضد الاسلام در درجه دوم هستند، حالا میخواهم حضور مبارک آقایان عرض کنم که ای نمایندگان حقیقی ملت که طرفدار قانون هستید و میخواهید حقوق ملت را نگاهداری کنید کاملاً در این قضیه عادلانه قضاوت کنید و بنده هم بیشتر عرضی ندارم و قضاوت را یعنی تصدیق و تکذیب قضاوت نمایندگان محترم را به تاریخ واگذار میکنم و دست مبارکشان را

هم میبوسم، مرحمت آقایان زیاد.

احتشام زاده (مخبر شعبه) - قبل از اینکه نماینده محترم اعتراضات خودشان را نسبت به انتخابات استرآباد بیان کنند يك شرحی راجع به علاقه که بحفظ نظامات و اجرای قوانین دارند و مخصوصاً علاقه که بر رعایت قسم نامه داشتند بیان فرمودند. بنده تصور میکنم این قسمت اختصاص به شخص ایشان نداشته باشد و همه آقایان علاقه مندند که برخلاف قسم نامه عمل نکنند و رفتار نکنند. و بعد هم فرمودند ممکن است اعضاء انجمن در مرحله اولیه و بعد اعضاء شعبه در قضاوت که کرده اند اشتباه کرده باشند. بنده خیال میکنم اگر چنین تصویری را بشود کرد فقط نسبت به شخص ایشان احتمال اشتباه برود یعنی ممکن است ایشان اشتباه کرده باشند...

وزار - دوسیه حکم است

مخبر - بنده هم از روی دوسیه و دلائلی که دارد فرمایشات و اعتراضاتی که فرمودند جواب عرض میکنم به استناد صورت مجلس آقای نماینده محترم فرمودند که امیر امجد حائز اکثریت شده است. بنده خودم هم تردید ندارم در موقعی عده آرائی که به اسم ایشان بود زیاد تر بود یعنی چهار هزار و نهصد رأی بود ولی باید دید قبل از يك هفته که بر طبق قانون شکایات باید برسد و يك هفته هم انجمن رسیدگی کند به شکایات آیا میشود معلوم کرد که کی حائز اکثریت است؟ خیر نمیشود چرا؟ برای اینکه ممکن است در موقعی که آراء قرائت می شود يك کسی حائز اکثریت باشد ولی وقتی که به شکایات وارد رسیدگی شده معلوم میشود که یکمده از اوراق آرائی که به اسم آن شخص در صندوق ریخته اند مطابق قانون باطل بوده و این شخص نماینده نبوده است فرمودند که هشت ماه فاصله شده است بین انتخابات بندر جز و انتخابات استرآباد. بنده تصدیق میکنم که هشت ماه فاصله شده است، این فاصله برای چه بوده است؟ در موقعی که آراء حوزه های فرعی را آوردند به استرآباد

و مشغول قرائت شده اند شکایاتی واصل شده راجع به انتخابات بندر جز و معلوم شده که حکومت آنجا در موقعیکه انتخابات در جریان بوده است نظامی بوده است و علاوه بر اینکه حکومت نظامی بوده است پنجروز از طرف انجمن مرکزی معلوم شده بود برای توزیع تعرفه در بندر جز و انجمن فرعی آمده است سه روز علاه کرده است بر مدت اخذ رأی یعنی هشت روز اخذ رأی نموده است اما اینکه فرمودند بندر جز حکومتش نظامی نبوده است و مستندشان هم يك مراسله بود که از طرف ارکان حرب کل قشون نوشته اند. عرض میکنم اگر چنانچه آقایان بخاطر داشته باشند سال قبل در استرآباد در حدود بندر جز بواسطه جریاناتی که پیش آمده بود حکومت نظامی بود و بایستی الغاء حکومت نظامی ثابت شود که بگوئیم حکومت نظامی نبوده است زیر که اولاً حاکم که نظامی بوده است و بعد هم بایستی حکومت رسماً و کتباً اعلان کند به حوزه حکومتی که حکومت نظامی ملفی شده است، این کار را که نکرده است حاکم نظامی بندر جز فقط یکمده را دعوت کرده است و به آنها گفته است که بلی حکومت نظامی هم ملفی است در صورتی که اهالی حکومت را نظامی میدانند و بهمین جهت هم شرکت نکرده اند در انتخابات یعنی خودشان را آزاد نمیدانستند و مداخله نکرده اند. در موقعیکه این شکایات به انجمن مرکزی واصل شد حکومت هم که بر طبق قانون انتخابات حق نظارت دارد و همانطور که انجمن مسؤول است حکومت هم نظارت دارد آمده اند در مدت مقرر رأی گرفته اند که آراء آنجا باطل است و بایستی تجدید شود و بعد از اینکه این قضیه را مراجعه میدهند به وزارت داخله و میگویند حکومت نظامی بوده است وزارت داخله جواب میدهد در صورتیکه حکومت نظامی بوده است و مقررات حکومت نظامی ملفی نشده بوده البته باید انتخابات آنجا تجدید شود تردیدی نیست و این حکم البته صحیح است و هیچیک از آقایان هم در این قسمت

تردید ندارند که هرگاه آراء حوزه انتخابیه برخلاف اصول قانون انتخابات باشد باید تجدید گردد و انتخابات آنجا بطور صحیح خانم پیدا کند. و علت اینکه انتخابات بندر جز طول کشید این بود که حکومت استرآباد آمده بود طهران و برای کارهای لازمی احضارش کرده بودند و در مراجعت او ناخبر شد و خیال میکردند که ایشان دو روز دیگر، چهار روز دیگر خواهد رفت و کار انتخابات البته باید تحت نظر حکومت باشد و حکومتی هم که تا آن تاریخ در بندر جز برقرار بود حکومت نظامی بوده و منتظر بودند که از طرف وزارت جنگ اعلام شود که حکومت نظامی بندر جز ملغی است که انتخابات آنجا تجدید شود و همین مسئله دلیل است بر این که در مرحله اولیه در بندر جز موقعی که انتخابات جریان داشته است حکومت نظامی بوده است و بالاخره خود وزارت داخله هم بموجب يك مراسله که رسماً مینویسد و در دوسیه هست مینویسد: که حکومت نظامی در بندر جز برقرار بوده و خیال میکنم هیچ تردیدی در این باب نباشد. نماینده محترم فرمودند که در دفعه اول عده آرائی که در بندر جز اخذ شده است دو بیست و پنج است و پنجاه و شصت تا بوده است و بعد عده آراء رسیده است به دو هزار و خرد. عرض میکنم که خود این مسئله دلیل است بر این که در مرحله اولیه در بندر جز انتخابات بطور آزادی جریان نداشته است و مخصوصاً اهالی برای اینکه میدانستند حکومت نظامی بوده است مداخله نکرده اند و الا هیچ تصور نمی شود که يك بلوک اتران که مرکز حوزه انتخابیه اش بندر جز است و در حدود بیست و پنج هزار نفر جمعیت دارد فقط دو بیست و پنج نفر گرفته است البته باید تقاضا کنند که مقدار کافی تعرفه فرستاده شود و مدت اخذ رأی را هم بقدری زیاد کنند که اهالی بتوانند شرکت کنند و اگر چنانچه آقای معتضد هم خودشان تقاضائی کرده باشند هیچ قانونی نیست که يك کاندیدائی را منع



کند که نسبت به جریان انتخابات در حدود قانون تقاضائی کند، البته هر کاندیدائی حق دارد که تقاضا کند که در فلان حوزه انتخابیه مثلاً چون جمعیتش زیاد است باید بقدر کافی تعرفه بفرستید یا بقدر کافی مدت اخذ و توزیع تعرفه را امتداد دهید. پس این ایرادی نیست که با آقای معتضد گرفته شود که شما چرا تقاضا کردید که بقدر کفایت تعرفه بفرستید. پس اعتراضاتی که آقای نماینده محترم راجع به انتخابات بندر جز فرمودند با اعتراضی که کردم خیال نمیکنم که آن اعتراضات هیچ وارد باشد یعنی معلوم می شود که انتخابات بندر جز در مرحله اولیه در موقعی بوده است که حکومت نظامی بوده است و باید در يك موقعی باشد که حکومت نظامی نباشد بطوریکه عمل هم اینطور بوده است و مجلس هم تصدیق کرده است. يك قسمت از اعتراضاتشان مربوط بود به آراء حوزه ملك در موقعی که انجمن بر طبق قانون يك هفته تعیین کرد برای وصول شکایات و يك هفته هم برای رسیدگی بشکایات. شکایات متوالی رسیده است با اسناد که آراء حوزه ملك با تطبیع تهیه شده است یعنی پول هائی داده شده است و معلم و مفتش انتخابات یعنی نماینده انجمن نظار که رفته است آنجا کاملاً قضیه را تصدیق کرده و در دوسیه هم هست. حکومت وقت هم تصدیق کرده است که در آراء حوزه ملك يك جریانات سوئی بوده است و از همه مهمتر این است که اعضاء حوزه ملك که نه نفر بوده اند هفت نفرشان بی سواد بوده اند. فرمودند که امتحان شده اند. در صورتیکه در صورت مجلس خود آقای امیر امجد مینویسد که داشتن سواد در اعضاء انجمن های فرعی شرط نیست این اظهار را خود ایشان میکنند و در صورت مجلس هم اعضاء کرده اند پس معلوم میشود که هفت نفر از اعضاء حوزه ملك بی سواد بوده اند و يك اشکال دیگری هم که نسبت به آراء حوزه ملك هست این است که مطابق یکی از مواد قانون انتخابات

(گویا ماده ۲۶ است) که میگوید: در موقعیکه شروع میکنند به اخذ رأی باید خالی بودن صندوق را در حضور تماشاچیها ارائه بدهند در صورتیکه در حوزه ملك اینطور نشده است، صندوق را در استراباد بسته اند و مهر کرده اند و به انجمن ملك فرستاده اند که وقتی رأی را آوردند ریختند بدون اینکه صندوق را باز کنند و ارائه بدهند خالی بودنش را درش را بسته و آراء را ریخته اند توی صندوق. به این دلایل که عرض کردم و انجمن هم البته مسؤلیت در اجرای قانون دارد رأی داده است به اینکه آراء حوزه ملك باطل و کان لم یکن است. و وقتی که آراء حوزه ملك از آراء امیر امجد کسر شود ایشان میروند در درجه دوم و در درجه اول آقای معتضد نمایندگی را اشغال میکنند. يك مسئله مهم دیگری هم که هست و ناچارم به عرض آقایان رسانم این است که آقای امیر امجد بر علیه حکومت ملی قیام کرده اند و دلیل اینکه ایشان بر علیه حکومت ملی قیام کرده اند چون ممکن است خیلی حرف زده شود البته تا يك دلایلی برای اثبات يك دعوائی نباشد نباید اظهار کرد. بهترین دلیل این است که انجمن نظار مینویسد: که آقای امیر امجد در رکاب محمد علی میرزا در موقعی که هجوم کرده است بازان در رکاب او بوده است و بر علیه حکومت ملی قیام کرده است و خود ایشان هم ذیل همان صورت مجلس را امضاء میکنند و راجع باطل آراء ملك و بندر جز اعتراض میکنند ولی این قضیه را بقدری مسلم پنداشته است که نسبت باین قضیه ساکت بوده و این سکوت ایشان در قرزریکه انجمن داده است و ایشان را محروم کرده است بهترین دلیل است. باین تفصیل بنده گمان نمیکنم نسبت به نمایندگی آقای معتضد هیچ تردیدی باشد. اما اینکه در خانمه فرمایشاتشان فرمودند که وزارت داخله امر کرده است بحکومت استراباد که اعتبار نامه باسم آقای معتضد صادر کند و بفرستد، همین طور است بلی و تردید ندارم و این طور بوده است چرا؟ برای اینکه انجمن نظارت

مرکزی معرفی کرده است آقای معتضد الاسلام را وزارت داخله که ایشان حائز اکثریت استراباد هستند وزارت داخله هم بر طبق تلگراف انجمن نظار جواب میدهد که باید اعتبار نامه صادر کنید

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زوار - بنده حق توضیح دارم، اجازه میفرمائید؟

رئیس - خیر.

یاسائی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - فرمائید

یاسائی - چندی قبل اگر نظر نمایندگان محترم باشد در اظهارات قبل از دستور جریان انتخابات استراباد را تا آروز بعرض آقایان رساندم خواهشمندم آقایان اجازه بدهند که شرح قضایا را از آروز ببعدم عرض کنم که آقایان قضاوت کنند.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. تقاضای رأی مخفی شده است (بشرح ذیل خوانده شد)

ما امضا کنندگان ذیل راجع باعتبار نامه معتضد الاسلام تقاضای رأی مخفی با مهره مینمائیم. اسدالله زوار و بانزده نفر دیگر.

یگنفر از نمایندگان - سایر امضا هارا بخوانید.

(بنحو آتی خوانده شد)

عبد الباقی جمشیدی - سید حسین آقایان - محمد آخوند

حسن علوی - دکتر سنک - عمادی - شریعت زاده -

یاسائی - صادق خواجوی - دکتر لقمان - افسر -

کازرونی - این که دوازده نفر بیشتر نبود.

یگنفر از نمایندگان - بقیه لا بقره است.

رئیس - آقا زاده سبزواری - الفحمی و امین التجار

ترقی است. رأی میگیریم با مهره. آقایانیکه تصویب میکنند نمایندگی آقای معتضد را مهره سفید خواهند داد و الا مهره های سیاه.

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

مهره تقنینیه ۱۰۱

مهره سفید علامت قبول ۶۰

مهره سیاه علامت رد ۳۷

رئیس - عده حضار ۱۰۷ با ۶۰ رأی تصویب شد

بعضی از نمایندگان - تنفس.

رئیس - چون عده هم کافی نیست چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس لوزراء کل امر ذی بال لم یبدء به بسم الله فهو ابر. البته نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود

که در مملکت ما احتیاج به اصلاحات گوناگون بقدری زیاد است که هر قدر دولتی در تهیه برگزاری

مطالعه نموده و در تشخیص اقداماتی که برای نیل به مقصود لازم میدانند اطراف را ملاحظه کنند باز هم آن

برگرم کافی برای رفع احتیاجات حقیقی مملکت نخواهد بود. پس میتوان گفت که برگزاری حقیقی عملی تا همین

احتیاجات اجتماعی و ملی مملکت است که بر حسب مقتضیات زمان و با مهیا شدن وسائل کار باید بوسیله

وحدت نظر و اشتراك مساعی نمایندگان محترم و دولت بموقع اجرا گذاشته شود. (نمایندگان صحیح است)

(بنده خیلی میل دارم که طرز دیگر بیان کنم و بنحوائم ولی متأسفانه چشم و عینک بنده اینطور حکم میکند

که باید بقدری بیفهم روی کاغذ پوشیده نیست که در تحت تأثیر اقدامات و اصلاحات اساسی که در ظرف

سنوات اخیره بعمل آمده است حس تجدد و اصلاح خواهی در مملکت بیدار و در جریان حیات اجتماعی



اداری ما جنبش و حرکت قائم مقام وقفه و خودمقابل گردیده است. البته این موقعیت هر دولتی را ملزم می نماید که اصلاحات شروع شده را تعقیب و در تکمیل و بسط دایره آنها از بذل هر گونه مساعی دریغ ننماید. مصادر امور مملکت مکلف میباشند هم خود را صرف تجدید حیات ملی نمایند و البته هیچ حادثه و پیش آمد داخلی و خارجی دولت را از تصرف تمام قوای مملکتی برای انجام اصلاحات داخلی که خط مشی دولت است منحرف نخواهد نمود. نظر به اینکه یکی از شرائط اساسی در نیل به اصلاحات مراعات اصول تعقیب و تثبیت اصلاحات شروع شده است و چون دولت سابق در برگرام خود که به تصویب مجلس شورای ملی هم رسیده است يك رشته اصلاحات ضروری مملکت را در نظر گرفته بود و چون خود اینجانب و اغلب اعضای دولت در کابینه سابق و اجرائی برگرام آن شرکت داشته ایم و همکاران جدید ما نیز کاملاً در این عقیده شریک هستند لذا برگرام این دولت همان برگرام دولت سابق خواهد بود که باید تعقیب و تکمیل شود ولی در همان حال چنانکه فوقاً اشاره شد خط مشی و عمل دولت همیشه مبنی بر این خواهد بود که در هر موقع مسائل را که مقتضیات زمان و ترقی و تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی در درجه اول اهمیت و فوریت قرار میدهد آنرا مطمح نظر قرارداده و اقدامات لازمه را فوراً برای انجام آن بنماید، البته آقایان اجازه خواهند فرمود که دولت از بذل مساعدت کامل نمایندگان محترم در وصول باین مقصود اطمینان داشته باشد. یکی از مسائل فوق العاده مهمی که در پیش است تکمیل موجبات الغاء حقوق ممتازه و قضاوت قونسولی است (کاپیتولاسیون) که بحسب امر و اراده اعلیحضرت همایون دولت سابق مقدمات آنرا فراهم و اعلان فسخ عهدهی را که دارای این قیود بودند از تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ بدول متعاهد ابلاغ نمودند. محتاج بذکر نیست که دولت حاضر نیز با اتکاء بمساعدت

بمقصود یعنی سوق مملکت بطرف ترقی و تجدد و حدت نظر و اعتماد بین اعضاء قوه مجریه و قوه مقننه است علی الخصوص که اوضاع کنونی دنیا این حس اعتماد و وحدت نظر را بیشتر الزام و ایجاب مینماید...

آقا سید یعقوب - کنترتات دکتر میلسپو چه شد؟  
رئیس الوزرا - بلی کنترتات دکتر میلسپو يك امر جزئی مملکتی است و ما اینجا امور کلی مملکتی را بیان کردیم معیناً برای اینکه در خاطر نمایندگان محترم يك چیزی نباشد عرض میکنم که دولت حاضره بانجديد کنترتات میلسپو با يك اصلاحاتی که تجربه منمادی لازم کرده است آن اصلاحات را موافق است ولی بنده شخصاً هنوز وارد و مصدق آنها نشده ام پس نمیدانم البته اصلاحات لازمه را میکنیم و به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم...

کازرونی - چه اصلاحی؟

وزار - اصلاحات اساسی.

رئیس الوزراء - چه اصلاحاتی را نمیدانم. ولی عرض کردم شخصاً وارد نشده ام.

رئیس - جمعی از آقایان اجازه خواسته اند امروز در این قضا با مذاکره میشود با جلسه دیگر؟  
دادگر - بماند برای جلسه بعد  
شیروانی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

شیروانی - بنده تصور میکنم برگرام دولت فعلی خیلی محتاج به امتداد مذاکرات نباشد زیرا اغلب مواد آن عین برگرامی است که مجلس شورای ملی رأی داده است و یکی دوسه ماده مهم هم که دارد امروز درش بحث میشود در بعضی چیزها که لازم است امروز یکساعت صحبت میکنیم و اگر کارهای مملکت را ما بجزریات بیندازیم گمان میکنم اولی و احسن باشد.

رئیس - مخالفی ندارد؟

کازرونی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم برگرام دولت (بنده روی نظریات خودم عرض میکنم) گمان نمیکنم مخالفی داشته باشد. لیکن این حق را نمیشود از مجلس سلب کرد بایستی در اطراف برگرام دولت بحث شود و بالاخره رأی هم داده شود به این اندازه هم کار را سبک و کوچک نباید گرفت کارها هم بجزریات طبیعی خودش بقی است هیچ مانعی ندارد که در جلسه آتی مطرح شود. رأی هم میدهم بجزریه و سلامتی انشاء الله.

وزیر عدلیه - اگر آقایان توجه فرموده باشند بیانی که اینجا اظهار شد از طرف آقای رئیس الوزراء بالاخره صورت برگرام را بطور معمول نداشت. یعنی ماده به ماده نوشته نشده بود. اظهاراتی بود راجع به خط مشی دولت و در حقیقت يك اظهارات مفصلی بود از برای اینکه گفته شود که اساساً دولت فعلی همان برگرام دولت سابق را تعقیب میکند. و فقط به بعضی مسائل که يك اهمیت خاصی داشت يك اشاره به آنها شده. اصل مقصود از این ترتیب این بوده است که آقایان عموماً تصدیق دارند که انسان هر چه قدر وقت خود را صرف کار کند و کمتر صحبت کند البته بهتر است. اصولاً وقتیکه دولت سابق برگرام خودشرا آورد يك موادی طرح شد و مذاکره شد و بالاخره يك رویه را بدست دولتها داد و تا وقتی که يك دولتی نباید و یکمواد تازه را نیاورد بنده تصور میکنم جا ندارد که دو مرتبه برگردیم سر آن مواد. و ما محض آنکه اتلاف وقت نشود خیال کردیم که پیروی کردن خط مشی دولت سابق و همان موادی که مجلس رأی داده است بهتر باشد. به این ملاحظاتی این بیان را آقای رئیس الوزراء فرمودند حالا هم اگر آقایان موافقت نمایند که این مسئله در اطرافش يك مذاکرانی بطور کلیات بعمل آید و راجع به این نظریه صحبت کنند ضروری ندارد ولی باید وقت مجلس



را تلف نکرد و باید زودتر برویم سر یک کارها و لواج مفیده که ضرورت دارد و بیستی زودتر از نظر مجلس شورای ملی بگذرد.

رئیس -- هیئت دولت هم مایل است که امروز مذاکره بشود؟

وزیر عدلیه و وزیر مالیه - بلی

رئیس -- خوب طرفین مذاکره کردند باید رأی بگیریم. آقایانی که موافقت امروز مذاکره بشود قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده در اینجا مطابق چیزیکه به مقام ریاست تقدیم کردم خودم با رفقای خودم که عبارت از اعضاء فراکسیون محترم ترقی باشند تمایل خودمان را نسبت بشخص آقای رئیس الوزراء اظهار کردیم و در آنجا هم اظهار کردیم که نسبت باعضاء کابینه مافعالاً اظهار نظریه نمی کنیم و همانطور وقتی که اعتماد بهشان اظهار کردیم کابینه هم که وارد شد و آمد لابد در مقام عمل جلب نظریات و جلب مساعدت نامه ما را خواهد کرد. یعنی چون آن روز بر ما معلوم نبود که اعضاء کابینه کی ها خواهند بود و بچه ترتیب معین میشود برای اینکه آقای رئیس الوزراء با ما مشورت نکردند سابقه هم شاید نداشته یا در ممالک دیگر شاید داشته باشد که رئیس الوزراء احزاب پارلمانی را جمع میکند و با آنها در انتخاب اعضاء کابینه خودش یک شورهایی میکند ولی تا ما مملکت را باین جریان بیندازیم و تا قدمهایی برداریم و حکومت دموکراسی را در مملکت قائم و برقرار کنیم البته مسلم است مدتی وقت لازم داریم و زمان لازم داریم ولی اجمالاً آقای رئیس الوزراء و این وزرائی که فعلاً در کابینه ایشان هستند و تشریف آورده اند انشاء الله در مقام عمل قدمهایی بر می دارند و جلب نظریات ما

آقایان غالباً جغرافیا را میدانند اگر چه آقایانی که بفرنگ رفته اند جغرافیای آن جا را بهتر میدانند ولی جغرافیای ایران را اگر ما خوب در نظر بگیریم از دریای مازندران تا دریای سوشهر و از پنجوین تا جلفا یعنی طول و عرض ایران را در نظر بگیریم این خاک بین وسعت این همه جمعیت این همه ترتیباتی که هست ما که هنوز بقوانین قضائیه مان بسط نداده ایم قوانین ما همچو حکمفرما نشده است که هر کس دزد ها، غارت گران، اشرار از آنها بترسند ما مورین مالیه ما آدم می کشند چرا؟ چون قوانین قضائی ما کاملاً حکم فرما نشده است. باید تقدر ما قوه قضائیه و تأمینیه در مملکت من منبسط بشود. تقدر ژاندارم باید داشته باشیم که کاملاً بتوانند در هر نقطه حفظ جان و مال مرده را بکنند. در دو ماه قبل بنده پشت همین تریبون از وزیر داخله وقت سؤال کرده که شکرالله خان بوزیر احمدی بمیر غلام حمله کرده اند به سی وند و سی وند را خراب کرده اند و جماعتی را کشته اند بعد که تحقیق شد گفتند که چون امنیه ما کم بوده است.

سؤال کردیم که آیا دولت هیچ در این مقام بوده است که برای توسعه امنیه یک فکری بکنند؟ هیچ نگفتند. این آقای وزیر داخله هم گمان نمی کنم مستحضر باشند که عده امنیه ما الان در این مملکت چقدر است. اینها بفرمایش آقای شیروانی که غالباً می فرمایند رقم رقم است. باید به نشینیم و حساب کنیم و به بینیم این مملکت ما با این وسعتی که دارد چقدر امنیه لازم دارد؟ اقل قلیل و ده یک آن مقدار لازم را هم ما قبول می کنیم که در این مملکت امنیه تولید و ایجاد بشود. دو ساعت پیش بود که این جا آقای دشتی اظهار می کردند که ما تشکیلات وزارت داخله را لازم نداریم و محتاج نیستیم صحیح هم فرمودند. چیزی را که ما لازم داریم خیلی هم طرف احتیاج ما است امنیه است و نظمیته. ولی وقتیکه امنیه میرسیم

رقش سفر است ولی در وزارت داخله پنجاه و پنج نفر منتظر خدمت برای ایالت و حکومت است. ما چهار ایالت بیشتر که نداریم ولی بیست و پنج نفر منتظر خدمت ایالت هست چهل و پنج نفر منتظر خدمت حکومت. این راجع بآن همچنین مدبرکل و این قبیل الفاظی که مکرر در فصول بودجه تحت نظر ما بوده است این یکی از نظریات بنده بوده است. اینکه آقای رئیس الوزراء هم ایالت فارس تشریف برده اند هم ایالت آذربایجان تشریف برده اند در مرکز هم بوده اند کاملاً از احوال ایران مستحضرنند عقیده بنده این بود که یکی از مواز برگردا عملی این رئیس الوزراء جدی (که بعقیده بنده خیلی جدی است) آروز هم خودش می گفت که من صراحت قبول دارم و خیلی جدی هستم) مسئله بسط قوه تأمینیه باشد. از این بودجهای گرفت از این چیزها، نیکه بر میدارند و می بینند: معاون فلان و فلان بردارند و امنیه درست کنند در جان و مال رعیت را حفظ کنند وقتی که جان و مال رعیت حفظ شد خودش ترقی میکند تجارت ترقی میکند، زراعت ترقی میکند، صنایع ترقی میکند، ولی حالا دولتی که توجهش به تأمین داخلی باشد کمتر آمده است بنده نمیگویم نیامده است ولی کمتر متوجه بوده اند بآن. با اینکه همه آقایان تحصیل کرده اند میدانند که ملت از دولت تأمین جانی و مالی میخواهد شد، تأمین جانی و مالی دو بدهید خودش معارف را ترقی میدهد، صنعت را ترقی میدهد، کشف معدن میکند، تمام ملل را قید دنیا در تحت عنوان این که بیک مقامی رسیده اند. تأمین جانی و تأمین مالی، تأمین جانی بوسیله قوه تأمینیه و تأمین مالی بوسیله قوه قضائیه. در هر ملتی که این که پیدا شد آن ملت ترقی کرد. ترقی هر ملتی در این است خصوص ملت ایران که بعقیده بنده ملت حمول و بارکش و مظلومی است. این ملت مظلوم را بهشان امنیت بدهید و قوای تأمینیه را بسط بدهید. بنده هم که در موقع بودجه ها مته بخشش میگذارم نسبت ببودجه امنیه و نظمیته بی مطالعه (یعنی با مطالعه



بیشتر خوب بود بیان می فرمودند که چه شده است این؟ مدتی است که آقای انصاری تشریف برده اند شش هزار تومان هم گرفته اند بنا بود پانزده روزه عملیات خودشان را اطلاع بدهند پانزده روز گذشت هی روز گذشت دو ماه گذشت و بالاخره چیزی نشد باز آقای رئیس الوزراء مسئله را بطور دیپلماتی فرمودند و نتوانستند بگویند که چه کرده اند و بچه جایی رسیده است بهمان ترتیب است که مال مردم مال خودم مال خودم هم مال خودم؟ يك فکری برای ولایات شمالی بکنید. این هم يك موضوعی بود که می خواستم عرض کنم ولی ایشان شرحی بر سبیل کلیات فرمودند ولی بنده چیزی نفهمیدم شاید مقتضی ندیدند که شرح و تفصیل بدهند. اینهم یکی و بنده در نظر داشتم که آقای رئیس الوزراء با کفیل وزارت امور خارجه با هر کسی که در این باب مناسب است و مصلحت میدانند يك شرح اوضح و مفصلي بدهند. آخر این مردمی که در ولایات هستند چه بکنند؟ در این مسئله خود دولت مسلم است طرف بوده است ماها هم همه طرف حمله و طرف داد و فریاد و استغاثه مردم مازندران گیلان و آذربایجان و خراسان هستیم. بلکه سرایت این امر بطرف جنوب هم شده است.

چو عضوی بدر آورد روزگار

دگر اعضا را نماید قرار

وقتی که در ایالات شمالی يك تأثیری واقع شود در ایالات جنوب هم البته تأثیر می کند. همانطور که شمال در حال وقفه است در جنوب هم تأثیر میکند. این هم يك مسئله بود که بنده عقیده ام این است که بیش از این باید توضیح داده شود. نکته دیگر که بنده خواستم بگویم و اول هم عرض کردم راجع به تجدید کنترات میسیون آمریکائی است و عقیده ام در این باب بقدری جدی است که اگر در مجلس نبود و از مقام ریاست نمی ترسیدم آقای رئیس الوزراء در همین جا عرض میکردم که يك مسئله را با آن علاقه مندی بنده و دیگران باید بیشتر

از این درش دقت بشود (نمایندگان - صحیح است) و با آنکه خیلی صاف و ساده صحبت می کنید این جا خیلی دیپلماتی صحبت کردید و گفتید که من هنوز وارد درین مسئله نشده ام. آقای يك کمترانی هست و يك مأموری را ما از آمریکا آورده ایم. و يك خدماتی هم کرده است پنجسال هم هست دارد کار میکنند. مقام مقدس سلطنت عظمی میل دارد. مجلس میل دارد ملت میل دارد دولت مقتضی نمی داند که اینرا صریحاً بیان کند اینرا هم میخواهم آقای رئیس الوزراء (که صاف و ساده صحبت میکنند بنده هم لرهستم و صاف و ساده صحبت می کنم) عرض کنم این جا که گیر ندارد صاف و ساده صحبت نکردند و این چیزبان ساده را که این طور مشکل صحبت کنند يك چیزی را که مشکل باشد چه خواهند کرد؟ این هم یکی از موضوعاتی بود که بنده مقتضی میدیدم آقای رئیس الوزراء برای جلب توجه اکثریت و نظر مقدس اعلیحضرت در این منظور بیشتر از این توجه میفرمودند ولی حالا در این قضیه می فرمایند که . . . . . بلی خوب به هر حال این يك موضوع. يك موضوع دیگر که بیشتر بنده بآن متوجه هستم راجع به بودجه وزارت فواید عامه است در کابینه سابق آقای رئیس الوزراء وزیر فواید عامه بودند در آن وقت آن مسؤلیتی را که داشتند حالا مسؤلیت شان بیشتر شده است چون هم رئیس الوزراء هستند و هم وزیر فواید عامه. بنده يك نفر خودم را عرض میکنم اگر رأی بنده را بخواهید و اگر نخواهید که بنده يك ساعت دو ساعت این جا وقت تلف بکنم این بودجه را تجدید نظر درش بکنید این يك بودجه ایست که حقیقهً هیچ نمیشود درش وارد شد. بنده عرض میکنم بودجه برای جنگل گذراندند اول جنگل مازندران را گذاشتند و رفتند طرف جنوب مردمی که بلوط می خورند. مأمورین رفته اند آن جا از شان مالیات می خواهند. آخر این که درخت صنعتی نیست درخت قابل تملك نیست. رفته اند آن جا

مأمورین جنگل و مأمورین مالیه مالیات میگیرند. درخت بلوط هم آقا این شاه بلوطی است که این جا می خورند نیست خوب است. بنده هرچه می خواهم شرح بدهم نمی توانم. شرح نان بلوط را اگر بعرض برسانم حقیقهً تعجب می کنید که آن ممکن است يك جائی غذای انسان این چیز باشد؟ ولی موقع مقتضی نیست که عرض کنم. اهالی لرستان فارس و لرستان بروجرد و ایلات غرب و کردستان که همه شان را مفضلاً ما دیده ایم غذای شان از همین نان بلوط است. این را رفته اند مأمورین جنگل بعنوان اینکه ما نگهبان جنگل هستیم از خوردن بلوط هم منع می کنند:

بنده اینرا مکرر عرض کرده ام که قانون جنگل را میآورید که کدام جنگل مال شما است و کدام جنگل مال مردم است تا همه تکلیفشان را بدانند و اینقدر مردم اذیت نکنند. اینها نظریات بنده بود و چون موقع گذشته بطور اجمال عرض کردم و حالا هم رأی بنده نسبت باین کابینه مراعی است باصلاح اینها.

رئیس -- این جا هم مثل سایر قضایا بطور مخالف و موافق صحبت بشود؟

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس -- آقای شیروانی موافقت؟

شیروانی - بلی.

رئیس -- بفرمائید

شیروانی - بنده اول مرتبه ایست که در پرگرام يك دولتی موافقت میکنم. موافقت بنده هم البته مربوط به يك تشکیلات جدیده یا يك اشخاص جدیدی که روی کار آمده اند نیست. زیرا رجال این مملکت را غالباً می شناسیم و طرز فکر و عمل شان را هم میدانیم و میدانیم که کمتر از آنها هستند که در قضایای مملکت بی علاقه باشند همه علاقه مند هستند منتهی موافقت ها و مخالفت ها همیشه روی يك سیاستهایی بوده است ولی امروز وضعیت



ایران در مقابل سیاست عمومی دنیا طوری است که بعقیده بنده هر دولتی که بمجلس میآید باید مجلس شورای ملی بایک وحدت نظری نسبت باو اظهار موافقت نماید. وضعیت سیاسی دنیا طوری است که بیشتر ما را متوجه به عمل و کار و برداشتن يك قدم های مؤثر سیاسی میکند. آقای آقا سید یعقوب در عین حالی که وعده دادن کارت سفید هم دادند داخل در يك اظهارات مخالفت آمیزی شدند که بعقیده بنده مربوط بیک سیاست عمومی که در موقع طرح برگرام باید درش بحث کرد نبود. مسائلی را که ایشان فرمودند غالب آنها بعقیده بنده صحیح است و دیر بازود هم باید يك قدمه های مؤثری برای اصلاحات برداشته شود. ولی عرض میکنم در عین حال در موقع طرح برگرام مخصوصاً افرادی که کارت سفید بدولت میدهند باید سعی کنند و دولت را موافق کنند باینکه مقاصد مشروع آنها را جدی تر بموقع عمل بگذارند راجع بکابینه فرمودند که اظهار موافقت و تمایل باشخص رئیس دولت فرموده اند و در مقابل افراد هنوز تصمیمی اتخاذ نفرموده اند. این صحیح است برای اینکه مجلس شورای ملی بموجب قانون اساسی حق دارد نسبت به هر وزیر یا چند وزیر اظهار نظر مخالفت یا موافقت بکند ولی در عین حال وقتی يك رئیس الوزراء مورد تمایل يك اکثریت فوق العاده قوی شد در مجلس و ایشان هم جزو متمایلین بودند باید که اجازه بدهند يك تشکیلاتی را که دولت متناسب باخط مشی خودش میدانند بدهد بعلاوه آقایان وزراء هم غالباً وزرایی هستند که چندین مرتبه طرف اعتماد مجلس واقع شده اند و کم و بیش بکفدهای اساسی و اصلاحی بر داشته اند. فرمودند که در کابینه گذشته کار هائی نشد. اقداماتی نشد. قدمهائی برای مملکت بر داشته نشد. چون بنده از موافقین کابینه گذشته بودم و تقریباً تمام آقایان باستانمای یکی دو نفر از اعضاء کابینه گذشته اند ( و بنده معتقد هستم که

مهمترین قدمه های بزرگ برای اصلاحات این مملکت در کابینه گذشته بر داشته شده است ) این جمله اظهارات ایشانرا میخواستم تکذیب کنم ...

آقا سید یعقوب - یعنی کابینه گذشته گذشته

شیروانی - در کابینه گذشته یکی از قدم تاریخی که برای این مملکت برداشته شده مسئله راه آهن است که کابینه گذشته لایحه او را بمجلس آورد و اعتبار او را از مجلس تقاضا کرد و شروع بعمل نمود. تا بحال حرف و مقاله و این چیزها راجع باین موضوع خیلی گفته میشد و نوشته میشد ولی کابینه گذشته شروع بعمل کرد. در کابینه گذشته یکی از قدمه های مهم تاریخی که برداشته شد اصلاح قوه قضائیه بوده است و این يك چیزی نیست که محل اشکال آقای آقا سید یعقوب باشد. همینطور گذراندن قانون تأسیس بانک و خیلی از لوائح خوب دیگر مخصوصاً لایحه تعلیمات اجباری و بالاخره يك مسائلی که چندین سال است از ابتدای مشروطیت تا بحال ما همه حرف آنها را میزدیم و موفق بعمل نمیشدیم کابینه گذشته و این کابینه بعقیده بنده يك اتصالی بآن کابینه دارد مبدء این اعمال بوده است و مهم ترین قدمه های اساسی را برداشته است ...

حاج آقا رضا رفیع - مثلاً الغاء تصویب نامه جنکل شیروانی - راجع به نقص قوه تأمینیه فرمودند بنده کاملاً تصدیق میکنم برای اینکه یکی از قطعات حوزه انتخابیه بنده در چند روز قبل مورد ناخت و ناز طایفه شریزبویراحمدی واقع شده است و دولت فعلی کاملاً مکلف است که این نکته را رعایت نماید و باید بقوه تأمینیه بسط بدهد و اطمینه را توسعه بدهد و بالاخره این قوه است که ما را می تواند راحت بگذارد تا بپردازیم بسایر اصلاحات. و البته فراموش هم نفرموده اند که این قوه چندین سال است تأسیس شده است. این قوه شاید چندین قرن بوده است که در ایران نبوده و الان چند سال است شروع بتأسیس آن شده است و یقین

دارم که ایشان هم این حسن ظن را نسبت بعلیحضرت دارند که در حقیقت ایشان موجود يك همچو قوه در این مملکت بوده اند و حالا تذکر ایشان برای توسعه آن است و اما در موضوع آن اشاره که آقای رئیس الوزراء فرمودند راجع به تسریع در رفع اختلافات بین ما و دولت شمالی. بنده اگر يك عده رضایتیهائی بطور خصوصی از کابینه گذشته دستم برای این بوده است که فوق العاده در بعضی مسائل ما دچار مطالعه و احتیاط می شدیم و اطمینانی را که باقی رئیس الوزراء فعلی درباره این است که ایشان حقیقه يك جنبه عمی دارند و ایشان این قدمه عملی را بر می دارند و اگر هم اشتباهی کردند اعتراف با اشتباه خودشان می کنند و بعد هم آن اشتباه را تصحیح می کنند احتیاط بالاخره ما را خیلی عقب انداخته و خیلی ما را فاج کرده است و وعده را که ایشان میدهند بنده کاملاً امیدوارم زیرا میدانم که ایشان اهل عمل اند و در کابینه گذشته هم موقعی که ایشان وزیر بودند بیشتر قضایا عملی شد و قدمه های مؤثری برای پیشرفت این مقصود برداشته شد و امیدوار هستم هیئت دولت که بیشتر نزدیک سیاست های خارجی است بدانند که ادامه این وضعیت فوق العاده برای ما گران تمام میشود و امیدوارم همانطور که وعده فرمودند زودتر این قضیه ختم بشود. بنده معتقدم اگر در بعضی جاها سهو شدم و قابل جبران است. خلاصه اینست که همانطور که در بدو عرایض عرض کردم دنیای امروز بماحکم میکند که کار کنیم و طرز عمل مجلس و همینطور دولت هر دو بعقیده بنده باید عوض شود. مجلس باید آن فورمولها و فرمالیته های معمولی را در آتیه بعقیده بنده يك قدری عوض کند و تصور کند که هر دو متساویاً شریک در مسؤلیت هستند. و در مقابل ملت و مملکت مسؤل هستند. دنیای امروز میدان وسیعی برای ما باز کرده است که ما از وضعیت دنیا استفاده نمائیم. این موقع موقعی نیست که مادر اشخاص

حرف بزنم بدر فلان فرد کابینه که ما از او سابقه خوب دید داریم باشخصاً کدورت داریم بشهر مطرح قرار بدهیم. این جا موقعی نیست که ما فکر کنیم که فلان رفیقمان دید يك قدم جلو برود یا فلان رفیقمان معون بشود و توقعات داشته باشیم. پنج موقعی است که وحدت نظر کاهلی که اغلب خود آقای آقا سید یعقوب هم بیان اشاره میکردند که در موقع بزرگ در این مملکت پیش می آمده است امروز هم همین موقع بزرگ رسیده است و معتقدم که باید مجلس شورای ملی دولت را تقویت کند و اگر يك سنگ هائمی هم جلوی پی دولت انداخته می شود و يك شخص جده طایفه هنوز زطعم شربینی هی اندهائی که در گذشته از این مملکت برده اند نمیخواهند صرف نظر نمایند دید يك قدری آنها را دور کنیم و اجازه ندهیم آنها را بگذاریم که امروز يك قدری مملکت بحال عادی جلو برود و ما هم دست یکی کنیم و بودجه مملکت را اصلاح کنیم و همانطور که فرمودند صرفه جوئی کنیم و اصلاحات اقتصادی بکنیم. خلاصه اینکه ما هم کار کنیم. و بنده نظریات نماینده محترم را کاملاً تأیید می کنم که وضعیت ما خوب نیست گذشته هم خوب نبوده ولی بعقیده شخص بنده امروز موقع آن است که ما با هم دیگر کمک کنیم و قطع نظر از اصلاحات داخلی باید برای پیشرفت يك مقصد مهم سیاسی نسبت بوضعیت کنونی دنیا کاملاً کمر به بندیم و استفاده کنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - اینکه گفته میشود مخالف و موافق صحبت میکنند لابد آقایان متوجه هستند که بمعنی نام کلمه مقصود نیست و مقصود موافق و مخالف دولت نیست بلکه مقصود این است این برگرامی را که جلوی ما میگذارند اگر این را کامل و صحیح و بدون نقص و عیب و



موافق نظر خواه یافتیم که موافق هستیم و اگر ناقص است او را هم حق داریم که ملاحظات خودمان را بگوئیم و اظهار کنیم (نمایندگان - صحیح است) لابد کسی که عقیده دارد يك که در اینجا ناقص است بعنوان مخالف باید حرف بزند. (بعقیده بنده) چون گفتند که این پروگرام دنباله همان پروگرام سابق است و در دنباله پروگرام هیئت وزرای سابق مطالب مشروحاً بیان شده بود و این هیئت وزراء همه آنها را قبول دارند لهذا مثل این است که همین را تائید نوشته اند پس باید به بینام چه چیز ناقص دارد و چه چیز هست که نمی باید باشد و چه چیز درش نیست. البته ممکن است با مطالعه کامل ملاحظات زیادی برآین پیدا بشود اینجا مجلس شورای ملی است هیئت وزراء هم حاضر میشوند و با یکدیگر شور میکنیم و نظر نامتعارف اظهار میکنیم و اگر چیزی بنظر کسی رسیده باشد که شاید از نظر هیئت وزرای مملکت سهواً یا اشتباهاً دور افتاده باشد یا توجه نگرفته باشند میگوید و ایشان جواب میدهند یا اینکه گوینده ملتفت میشود که اشتباه کرده است عجاله بنده در اینجا دو نظر دارم که باید این دو نظر در این پروگرام یا در پروگرام دیگری که بمجلس میآید ملحوظ شود و بعقیده بنده خیلی لازم است. در موقع دیگری هم عرض کردم که مجلس شورای ملی و ملت ایران هم يك پروگرامی میخواهد. يك نقشه اساسی متدی میخواهد که به تغییر هیئت دولت خطوط اساسی آن تغییر نکند اگر غیر از این باشد هر دو ماه یکمرتبه خطوط اساسی و فصول مهمه سیاست مملکت باید عوض شود در صورتیکه اینطور نیست يك سلسله اصلاحاتی در این مملکت بعمل آمده است که جای انکار نیست ولی حالا مملکت ما بيك موقع مهمی رسیده است که يك اصلاح مهم اساسی که مهمترین اصلاحات است باید بعمل بیاید و آن این است که کم کم که ادارات دولتی

منظم شده و مالیه دولت مرتب شده است و پول به انتظام جمع میشود و انشاء الله به انتظام هم خرج می شود. بنده در يك موقعی عرض کردم که اگر شما پنجاه هزار مالیات دارید اگر طوری پیش بیاید (اگر چه در دنیا و در هیچ مملکتی حتی در سوئیس هم ممکن نیست و در واقع از نوع بشر هم شاید ممکن نیست که فرض کنیم صکته اداره مالیه و خزانه مملکت طوری منظم بشد) که تمام این پنجاه هزار بطریق نظام و عدالت از کسی که باید بدهد بگیرند بدون اینکه يك دینار تعدی بکنند و مجلس شورای ملی هم نظارت داشته باشد که این پنجاه هزار بهمان مصرفهائی که در بودجه نوشته شده است برسد و بدون هیچ اشتباه و تقلب و خطای بمصرف صحیحش برسد با این ترتیب تازه بعد از سی سال که اینطور بود مملکت يك قدم پیش نبرد. برای اینکه مجلس شورای ملی باید مصمم بشود که این پول در کجا باید خرج شود و بعقیده بنده کار این مملکت با آنجا رسیده است که صحبت مهم مملکت باید این باشد که آیا این چیزهائی که در مجلس میآید همه شان باندازه مساوی مهم است یا نیست سابقاً يك کلمه داشتیم که در مواقع خیلی مهم میگفتیم فوق العاده حالا فوق العاده بمعنی خیلی شده است و پاره اصطلاحات دیگر مثل (حیاتی) حالامی بینیم گاهی سیم کشیدن از سقر به بانه هم حیاتی میشود. برای ما کلمه دیگر باقی نمانده است که بیان نمائیم آن اصلاحاتی که لازم است چه قدر مهم است عقیده بنده این است که مملکت دچار يك فقر اقتصادی است که این اشخاصی که مالیات میدهند بدولت باید نمایندگان آنها مواظب باشند که بکفتمتی از این مالیاتها بمخارج ضروری دولت برسد یعنی بمصرف قواء تأمینیه و قضائیه و غیره برسد و يك قسمت دیگری هم باید بمصرف امور خیریه برسد که يك چیزی بر ثروت مالیات دهنده ها افزوده شود تا ثروت آنها تکمیل شود. لهذا بنده پیشنهاد افراطی نمیکنم يك

پیشنهاد معتدلی میکنم و آن این است که از این پنجاه کرور که میگیرند اقلأ پنج کرورش بمصرف خود این ملت یعنی برای تقویت بنیه اقتصادی مملکت و فلاح و آبیاری و سد بندی و کارخانه های مفیده برسد بنده نمیگویم همه اینها یکمرتبه انجام شود بلکه عقیده ام این است بر ترتیب الاعم فالاهم این اصلاحات به عمل آید يك قسمت دیگرش باید در رشد عقلی این مملکت صرف شود که ما گوئیم يك خانه داریم که زمین بزرگی است و خود زمین بلد نیستیم بشائی کنیم پولش را هم نداریم و نمیتوانیم حضور باید بشائی کنیم باید اشخاص از خارجه بیاورند و بنا نشان بدهند که این بشائی را چگونه باید بکنیم؟ و برای این کار ما میتوانیم پانصد نفر دوست نفر در یکسال بفرستیم به مالک خارجه شش سال هفت سال (هر قدر لازم است) در آنجا بمانند و فنونی که برای اداره این مملکت لازم است یاد بگیرند و این اصطلاح جدیدی که در آمده است (متخصص) جای این متخصصین را بگیرند ولی بدبختانه این کار بمشور داخواد واقع نمیشود و يك مشینی در این مملکت درست شده است که بتدریج و بطور مرتب افراد ذکور این مملکت را مستخدم دولت میکند و با این ترتیب البته بر روزمان تمام اهل پایتخت و يك قسمت بزرگی از اهل مملکت مستخدم خواهند شد و این مستخدمین بمنزله قشونی هستند که پول مملکت و رعایا را میخورند بنده بدون اینکه قصد توهینی بمستخدمین داشته باشم این عرض را میکنم و البته آنهائی که خدمت میکنند و خدمتشان ضروری است ما باید کمال قدر دانی را از آنها داشته باشیم و بعقیده بنده پایه آنها مساوی است با پایه وکلای ملت که اینها در مجلس خدمت میکنند آنها هم در وزارتخانهها کار میکنند ولی مستخدم زیادی مثل لشکر سن است که بریشه ملت بیقتد و او را نمکد فرضاً که این کار بطور انفعالی در این مملکت بعمل بیاید دولت نقشه ندارد که فلانقدر مستخدم لازم دارد يك اداره دایر میکند

و يك میزی در آنجا میگذارد و يك کسی را در آنجا می نشاند و میگوید که شما هر کس متولد شد و هر کس فوت کرد بنویسید چند روز میگذرد يك کسی دیگری میآید و میگوید من خیلی مستأصم و خیلی پریشانم کار میخوانم شد را بخدا يك کاری بمن بدهید. کار هم که نیست. چه بکنند؟ بالاخره يك لطافتی برای او درست میکنند و میگویند که شما موالید را بنویسید و ایشان و فیا ترا. بزرگم يك کس دیگر پیدا میشود دو میگویند شما موالید ذکور را بنویسید و آن دیگری موالید انثرا. و بعقیده بنده اینها يك لشکری هستند که این مملکت را میخورند و تمام می کنند و باید از این پول بتدریج کسر کرد. این نکته را که بنده عرض می کنم نکته نوره نیست و مخصوص بنده هم نیست و گوی می کنم اغلب آقایان نمایندگان محترم بنده همراه و موافق باشند که ما باید مخارج خودمان را محدود کنیم و قسمت بزرگی را صرف امور مهمه بکنیم و امور مهمه آن چیزی است که حاصل خیز باشد و برای مملکت تولید ثروت بکند ضمناً آنچه که برخلاف این نکته شنیده ام این است که می گویند بعضی از عیالات پارسا زهد است (بقدر يك میلیون و نیم) و وزارتخانهها می خواهند بین خودشان تقسیم کنند در صورتیکه در بودجه پارسا لازم نبوده و اسالاً لازم نبوده است از مردم بگیرند و بهمین جهت هم معنایش اضافه است یعنی لازم نبوده است. حالا احتیاطاً گرفته اند که مخارج مملکت کم نیاید و حالا که گرفته اند بنده است (لازم) در صورتیکه در بودجه پارسا لازم نبوده است و باید این پول را قطعاً و بلااختصار صرف امور حاصل خیز مملکت کرد بمصرف فرستادن شاگرد خارجه بشود ملاحظه دوم بنده راجع بيك مطلب مهمی است که بنظر بنده خیلی مهم است. حالامی خواهیم مطالعه کنیم و عرض کنم مسئله حیاتی است ولیکن یکی از مهمترین و اساسی ترین امور این مملکت میدانم و برای بنده يك



و این دفعه آخریست که در اینجا عرض میکنم برای اینکه هر روز مکرر نکم و آن این است که نمایندگان ملت يك وظیفه داریم در مقابل این مملکت و این مملکت یعنی اکثریت عظیمه این مملکت میخواهد که این کار مداومت پیدا کند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - البته همینطورى که نماینده محترم اظهار فرمودند مذاکره در اطراف پروگرام بعنوان موافق و مخالف برای تبادل يك نظریات و يك ملاحظاتی است یعنی اغلب اینطور است. حالا شاید يك موافقی هم پیدا می شود که صورت این است ولی باطن چیز دیگرست ولی ما فعلاً از نقطه نظر اظهاراتی که نماینده محترم اینجا فرمودند و قطعاً مقصودشان همین بوده که فرمودند در مطالبی که اظهار داشتند مختصراً بحث میکنیم. پروگرام دولت سابق را تذکر دادند که دولت فعلی این پروگرام را قبول کرده است و در تعقیب تکمیل آن پروگرام در مقابل مجلس شورای ملی تعهد و اقدام کرده است در ضمن فرمودند اگر در پروگرام ها يك چیزی کم باشد باید چیزی را باید افزود بطور تذکر باید گفت. قبلاً راجع به قواء تأمینیه آقای آقاسید یعقوب اظهار فرمودند برای تذکر خود ایشن و آقای تقی زاده عرض میکنم که یکی از مواد پروگرام سابق همین بود که اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که بسط قوای تأمینیه یکی از مواد اصلی و مهم همان پروگرام است و دولت هم در اظهاراتی که کرده نظرش بیکی از موادی که سریعتر در انجام او کوشش خواهد کرد همین بسط قواء تأمینیه است که طرف احتیاج عمومی مملکت است. البته همانطور که آقای تقی زاده فرمودند پروگرام منحصر بدولت نباید باشد. پروگرام یعنی چه؟ یعنی نقشه و خط مشی در امور زندگانی حالا وقتی که این کلمه اطلاق بيك کابینه و بيك دولتی میشود سیاست مملکترا که آنها عهده دارند در ضمن این پروگرام معلوم می کنند ولی مانع از این نیست که مجلس

قدری جای تأسف است از اینکه آقای رئیس الوزراء فرمودند این کار جزئی است. بنده گمان میکنم اصلاحاتی که مشروع کرده بودیم در مالیه و این مجلس عامل مهم او بود و این را برپا کرد از این برپاشدن و مداومت پنجساله او این مملکت فوائد و محسنات بی شماری برد تا وجود اینکه نواقص و معایبی هم دارد و کسی هم انکار ندارد بعضی آقایان هم شاید ابراز میکنند. صحیح است بوزارتخانه های دیگر خودمان هم همین ابرادات را داریم ولی اصلاحاتی که در مالیه بعمل آمده بقدری فوائد کلی برای این مملکت دارد که اگر ده ساعت هم در اینجا صحبت نمایم کافی نمیشود و میدانم خود آقایان وجداناً حتی آنهایی هم که گاهی ابراز میکنند فوائد آن را میدانند. یکی از بزرگترین فوائد او بلکه بالاترین فوائد او این بوده است که در این سنوات اخیر مملکت محتاج به قرض نشده است حالا بعضی ها میگویند قرض برای مملکت اهمیت ندارد. انگلستان فلانقدر قرض دارد. فرانسه فلانقدر قرض دارد. اگر آخر سال بودجه آن کم بیاید و پنجاه هزار تومان محتاج شوید و دستمان لای در بماند برای همان پنجاه هزار تومان قرض دهندگان پیدا میشوند که از شما آن چیزی را میخواهند که اگر در مواقع اعتبار بنام صد میلیون از او میخواستید جرأت نمیکرد بگوید. این موضوع اساسی است و باید این اصلاحات مداومت داشته باشد. و این کنتراتها تجدید بشود. و بنده گمان میکنم که روح مجلس شورای ملی با من موافق است (نمایندگان - صحیح است) که از آقایان وزراء بطور تأکید خواهش کنم که هر چه زودتر این کنتراتها را تجدید نمایند که اگر غیر از این بشود اسباب خطر اصلاحات مملکتی میشود و لذا چون بنده نمیخواهم در این باب مکرر در اینجا حرف بزنم امید قوی دارم و از هیئت وزراء هم که باطننا همین طور هستند از صمیم قلب تمنا میکنم که این کار را زودتر ختم نمایند و کنتراتها را تجدید نمایند.

شورای ملی با مصادر دیگر امور مملکت در هر مقام و هر کجا که باشند آنها هم از برای اداره امور خودشان و برای بسط فکر و عقیده و نظارتن يك پروگرامی داشته باشند این محال هیچ تردید نیست حتی افراد خارج از کارهای عمومی هم باید برای خودشان يك پروگرام و يك خط مشی داشته باشند البته راست است پروگرام مجلس را مجلس باید معین بکند ولی چون پروگرام در امور مملکتی پروگرام عمل است و عامل و مجری همیشه مطابق اصول هیئت دولت و قوه مجریه است و در حقیقت هر پروگرامی که طرف اعتماد مجلس واقع میشود همان پروگرام دولت و مجلس است ما نمیتوانیم قائل شویم به اینکه مجلس يك پروگرامی خواهد داشت و دولت يك پروگرام دیگری ولی در موقعی که يك پروگرامی تدوین میشود و تحت بحث می آید نتیجه را تعاطی فکر و تبادل نظر بین قوه مجریه و قوه مقننه آن پروگرام مملکتی است که خط مشی سیاسی و خطوط معظمه اصلاحات مملکتی در آن طرح شده. و از طرف دولت تعقیب می شود و مجلس در ضمن تصویب نظارت میکنند که همیشه همان اصول بقی بماند و اگر هم يك وقتی مقتضیات زمان يك تغییر و تکمیلی را الزام نمود باز مجلس بدولتی که سر کار است کمک میکنند و نظارت میکنند که آن نواقص رفع شود پس ما باید قائل شویم که پروگرام دولت همان پروگرام مجلس است و هر نظری که مجلس داشته باشد همان نظر را قبلاً دولت اتخاذ و استنباط کرده است و پروگرام خودش کرده است بعد در ضمن مذاکره اصلاحاتی که بنظر آقایان میرسد میشود. مخارج حاصل خیز یا داشتن يك سیاست استخدامی این البته از مسائل اصولی است که از برای مملکت از هر حیث مفیدترین و نافعترین چیزها است ولی تذکری که آقای تقی زاده در اینجا فرمودند خیلی بموقع و بجای بود در هر موقعی که این اظهار را بفرمائید بعقیده بنده از طرف دولت و مجلس بایستی با نهایت حسن تلقی استقبال شود مخارج حاصل خیز از آن مخارجی است که بالاخره



مجلس شورای ملی است. آخر مجلس شورای ملی هم در ضمن قانون گذاری يك تعهداتی میکنند این تعهدات را کی باید انجام بدهد؟ البته باید افراد دولت در صدد باشند که چطور انجام بدهند روزی که در مجلس قانون گذران دیدو دولت را مکلف کردید که صد هزار تومان بکارخانه نساجی اصفهان قرض بدهد در آنجا که محل معین نکردید خوب دولت خودش باید مجلس را تهیه کند برای اینکه تعهد مجلس را تأمین کند روزی که اینجا رأی دادید که برای بنای وزارت معدنی صد هزار تومان باید خرج کرد این صد هزار تومان را از این صرفه جوئیهایی که ملاحظه میفرمائید باید تأمین کرد. اصلاً يك قسمت مخارجی است که آن مخارج صرفه جوئی حقیقی نیست مثلاً قانون معارفی يك ترتیب عوائد و ترتیب مخارجی را در مقابل آن عوائد مقرر میدارد. همینطور صحیه و سایر مسائل دیگر ولی مطابق قانون محاسبات ممکن است سال محاسباتی سرآید و آن عوائد تماماً بمخارجی که قانون معین کرده است نرسد این از نقطه نظر صورت ظاهر امر و جریان اداری اسمش صرفه جوئی شده است اما حقیقتاً صرفه جوئی نیست قانون مقیدش کرده است برای آن مصرف یعنی آب را باید از آنجا خارج کرد و در سال بعد مصرف خودش رسانید. باری مقصود بنده از این اظهارات این است که میخواهم خاطر محترم آقایان نمایندگان را مستحضر کنم که این مطلبی که فرمودند همه در نظر هست و بررور عمل بعرض آقایان خواهد رسید و البته از تذکری هم که آقایان نمایندگان میدهند همه ماها متشکریم. در قسمت اخیر فرمایشاتشان راجع به میسیون امریکائی و کمیتات رئیس آنها دکتر میلیس، اظهاراتی فرمودند. اولاً بنده اعتراضاتی را که فرمودند بعبارتی که آقای رئیس الوزراء اظهار کرده بودند عرض میکنم که بنده این اعتراض را وارد نمی دانم زیرا همین طوری که خود ایشان در موقعی که صحبت از لفظ فوق العاده و حیاتی میفرمودند مقصودشان این بود که در عبارات و

جملات و طرز تعبیر فکر باید يك درجاتی قائل بود البته هر امری ممکن است در موقع خودش خیلی اهمیت داشته باشد که در مقابل امر مهمتری اطلاق امر جزئی به او بشود بدون اینکه به آن گفتن (اجزئی) بشود اعتراض کرد. آقای رئیس الوزراء اگر فرمودند که این از امور جزئی است نه اینکه مقصودشان این بوده است که مسئله فی حد ذاته اهمیت ندارد خیر، مقصودشان این بود که از حیث مقایسه با اشاره که بوضعیات و سیاست کنونی دنیا و مسئله تجاری و روابط روس و ایران میکنند البته جزئی است. بنده هم اینجا نباید میکنم و اما در اصل مطلب لازم است خاطر محترم آقای را (بنده) که شاید سابقه ام در این امر بیشتر است زیرا جزو کار بنده است و در کابینه سابق هم بودم) متوجه کنم که در هیچ موقعی هیچ دولتی و هیچ رئیس الوزرائی نظر نفی نسبت به این قسمت نداشته و ندارد و همینطور که آقای رئیس الوزراء فرمودند در بزرگام دولت سابق و این دولت نظر اثباتی هست که مستلزم نظر اصلاحی است و هر دو این ها خیلی زود مورد مطالعه آقایان گذاشته می شود و با هم فکری و شرکت آقایان تثبیت میشود.

پس در اینصورت جای نگرانی نیست و اینکه تأکید در تسریع آن فرمودند عرض میکنم تسریع آن کاملاً در نظر دولت هست. و اینکه آقای رئیس الوزراء فرمودند که کاملاً هنوز وارد قضیه نشده اند البته تصدیق میفرمائید که هر قدر رئیس الوزراء محترم ماجدی و سریع باشند در صورتیکه هیئت دولتشان يك جلسه بیشتر نداشته و آن جلسه هم صرف این شده است که يك مسائل کلی گفته شود بالاخره ایشان کوتاهی در تسریع نکرده اند و البته تسریع هم خواهد شد و خود آقایان هم مسبوق خواهند شد. آقای تقی زاده در ضمن فرمایشاتشان قدر دان از زحماتی که مستخدمین خارجه برای کمک به اداره مالیه کشیده اند فرمودند. يك قدر دانی دیگری هم در

اینجا لازم است که بنده از طرف آقایان نمایندگان محترم بکنم و آن این است که هیچ وزیر مالیه و هیچ متخصص و متفکر امور مالی اگر قوه و قدرت و سر نیزه پشت سر حکم و اراده او نباشد یکشاهی از این مملکت نه مالیات میتواند وصول کند و نه یکشاهی عواید میتواند جمع کند

جمعیت از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مدرس - بنده اجازه خواسته ام

رئیس - چند فقره پیشنهاد شده است

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بقیه مذاکرات بعد برای جلسه آتی

بنده ختم جلسه را بمقام مقدس ریاست دامت عظمه پیشنهاد میکنم.

پیشنهاد کفایت مذاکرات میکنم

پیشنهاد میکنم بقیه مذاکرات بروز سه شنبه و کون و جلسه ختم شود

رئیس - راجع به ختم جلسه مخالفی نیست؟

یاسائی - بنده مخالف هستم

رئیس - بفرمائید

یاسائی - بنده عقیده ام این است که مذاکرات به اندازه کافی شده است و این صحبت هائی که میشود

راجع بکلیات است که ز طرف موافق و مخالف کراراً گفته شده است بنا بر این ادامه دادن بمذاکرات وقت تلف کردن است دولت حاضر بزرگام و خط مشی دولت سابق را قبول کرده است به اضافه اینکه کمیتات دکتر میاسپورا بیاورد تجدید کند و اهم در اقتصادیات بکند و سعی کند که روابط تجاری - جواهر شوروی زودتر مستقر شود بالاخره البته هم در بزرگام سابق بوده است بنا بر این عقیده بنده این است که دیگر مذاکرات لزومی ندارد. و جلسه هم ختمش موردی ندارد دید رأی گرفته شود به بزرگام و تمام شود

وزیر عدلیه - بنده از آقای یاسائی که یکی از موافقین جدی دولت هستند متذکر میکنم امروز سراری نداشته باشند به اینکه مذاکرات ادامه پیدا کند زیرا بایستی آقایان مخالفین هر حرفی دارند بزنند و چون فعلاً وقت خیلی گذشته است هوا هم گرم است و آقایان هم خسته هستند بهترین ترتیب این است که بقیه مذاکرات را بگذاریم برای روز سه شنبه که آقایان هر مذاکراتی داشته باشند بفرمایند.

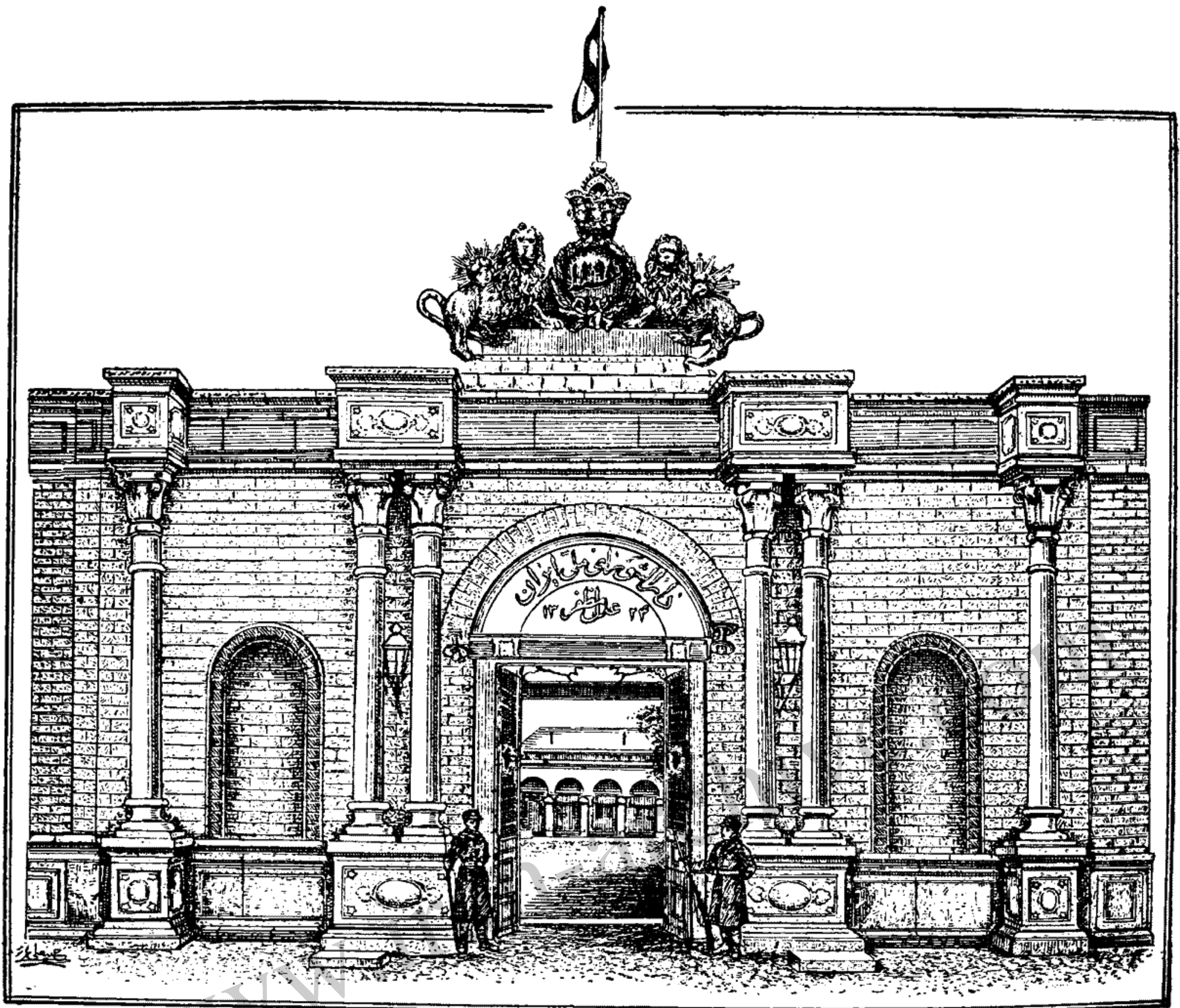
رئیس - پس راجع بختم جلسه مخالفی نیست؟

جمعیت از نمایندگان - خیر

رئیس - بقیه مذاکرات میباید برای روز سه شنبه

(مجلس یکساعت و ده دقیقه بظهر گذشته ختم شد)





دوره ششم تقنینیه

جلسه ۱۱۵	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۸۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۴۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قران



زورش رسیده گرفته . باید از دزد بگیرد و از غیر دزد نگیرد . بنده این مسئله خلم اسلحه را در مملکت ایران نظری میدانم . يك مسئله خیلی واضح بدیهی نمیدانم . مسئله میدانم که باید هیئت وزراء با کمال آزادی در هیئت خودشان مطرح بکنند . اطرافش را در نظر بگیرند و همه جای مملکت را در نظر بیاورند و صلاح این مملکت را به بینند که همه تفکهایش باید يك جا باشد نه . آن چه بنظرشان رسید پیشنهاد مجلس بکنند . بنده بقدری این مسئله را نظری میدانم که آقایان اگر درش تأمل بکنند و حدود و خصوصیات ایلات و طوائف و سرحداتی که ایلات ما با ایلات خارج دارند درش تأمل نمایند شاید تصدیق بفرمایند که مسئله نظری است . حالا کار ندارم بنده این مسئله را تذکر دادم که هرکاری که میشود باید منبعش این جا باشد . باید حکم از این جا برود و دیگری اجرا کند . هر چه هست از این جا باید باشد . اراده ملت حاکم است . اما مسئله میمونی که آقای قائم مقام الملك گفتند . یقیناً آقایانی که وکیل خسه هستند میدانند که خوشبختانه باید بختانه من هم اینطور شده ام چون يك املاکی این مسجد در خسه دارد همه اش بمن مینویسند که امسال شما متوقع مال الاجاره نباشید زیرا خوک ها نمیگذارند زراعت بشود . بواسطه اینکه اسلحه خوکها را که نکرده اند اسلحه بیچاره های پابسته ها را گرفته اند . بادولت باید به امانیه خودش حکم بکند که جلوگیری کند باطوری بشود که خود ما جلوگیری کنیم . حالا آن جا به میمون ابتلاء دارند این جا باین حیوان ابتلاء دارند . هر جا ابتلاء بيك حیوانی دارند . بادولت بمأمورین خودش حکم بدهد که در این مسئله جلوگیری کنند و یا اجازه بدهند که مردم اسلحه داشته باشند که رفع این موضوع را بکنند . این مسئله تبعی بود و بجهت تذکر آقایان عرض کردم . مسئله ماده هیچده که ماده آخر برگرام است ( ایجاد وسائل لازمه برای تفتیش سواحل )

که شاید نظیر این را آقای کازرونی فرمودند . ایامه آخر مثل ماده اول است یعنی به لفظ زید در شباهت دارد نامعنی . نمیدانم ایجاد وسائل لازمه برای تفتیش سواحل شده است یا نشده بامشود . در هر صورت این هم از توابع آن اولی است . چون میخواهم خانمه بدم يك چند نامسئله دیگر را هم تذکر میدهم تا اینکه آقای فهیم الملك میگویند دولت مخالف ندارد و همه تذکر دادند بنده هم تذکر میدهم که از این فیض عظمی محروم نمانم . يك مسئله مسئله سرباز گیری است کابینه و مواد کابینه باید به مقتضای احتیاجات روز باشد . يك قانون بسیار خوبی از مجلس گذشت . البته میدانید هر قانونی در دفعه اولش نمیشود بدرجه کمال برسد با آقای ذکاء الملك هم تقریباً سه هفته قبل در این باب مذاکره کردیم که این قانون نواقضی دارد و باید دولت تحت نظر بیاورد و يك موادی برای رفع نواقضش تنظیم نماید این یکمسئله . مسئله دیگر موضوع اجراء است . بنده میخواهم بشما اینجا اطمینان بدهم که آنچه افراد قشون اجباری گرفته اند اکثریت مطابق این قانون نیست حالا نمیتوانم همه را بگویم ولی اکثریتش نیست . با آنهایی که مباشر بوده اند اغراض شخصیه شان مانع شده . با آنهایی که مباشر بوده اند قانون بلد نبوده اند . بالاخره در همین مسئله هم من تقاضا کردم که هر دولتی هر وزیر جنگی که در این مسئله شك دارد يك کمیونی تشکیل بدهند و الان اینهایی را که گرفته اند یکی یکی بیاورند تحقیق کنند نامعلوم شود . چرا اینرا من اهمیت میدهم بجهت اینکه یکی از رأی دهندگان این قانون من هستم و از تمام یا اکثر نقاط ایران بمن نوشته اند که شما چرا اظهار موافقت کردید . گفتم عقیده من این است که اگر این قانون اجرا بشود صلاح مملکت است . لیکن متأسفانه دیدیم اجرا نشد و اگر جلوگیری از این نشود بنده بکنفری مصمم هستم که اگر قدرت پیدا کردم پیشنهاد نسخش را بکنم . زیرا این قانون اجرا نمیشود و

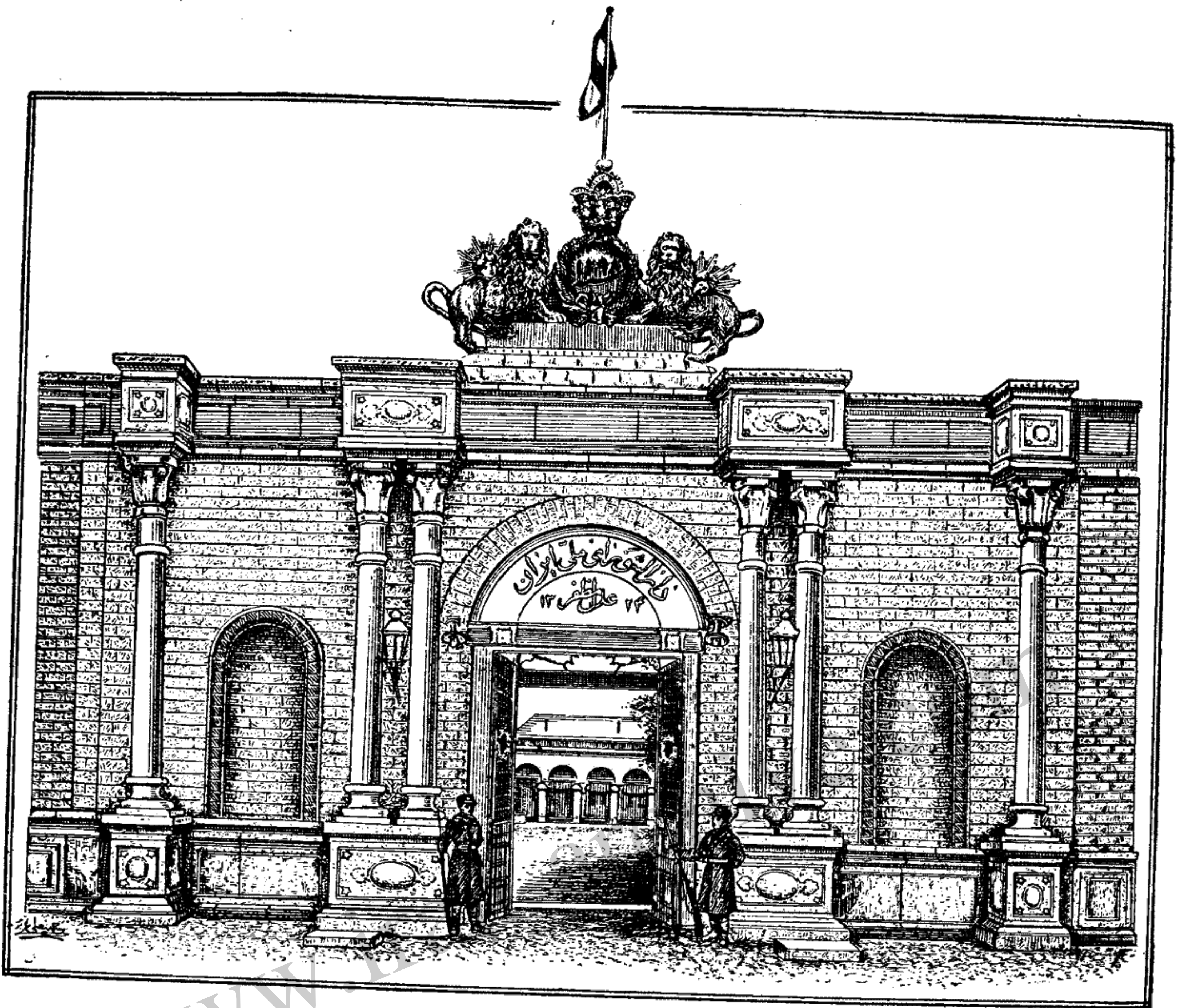
وقتیکه اجرا شد اسباب زحمت مردم است . اسباب زحمت مردم فایده اش برای مردم چیست ؟ پس باید دولت قانون را در نظر بگیرد اگر نواقضی در نظرش آمد چند ماده بیاورد و مجلس شورای ملی هم مراقبت بکند در این که خود قانون اجرا شود . گر قانون اجرا نشود و توی ذهن مردم بخورد برای ما تعریفی ندارد . ما باید قانون درست کنیم که بدرد مردم بخورد و صلاح مردم باشد . وقتی که اسباب زحمت مردم باشد فایده ندارد . پس این مسئله از مسائلی است که بنده تذکر میدهم که فکرشان را صرف بکنند هم در اصلاح قانون و هم در نظارت اجرا . این هم از مسائل مهمه است که عرض میکنم که محتاج سؤال و اینها نشود چون بنده سؤال و اینها دوست ندارم و برای اینکه محتاج نشود باین که متمنع مخالف بشود این عرایض را کردم این دو تا يك مسئله دیگر را هم تذکر میدهم و آن این است که کارها خوب است در مملکت نشود . از عدمیات ما چندان ضرر نبردم لیکن اگر کاری میشود باید مطابق قانون بشود و الا خوبست کاری نشود اگر چه این حرف من نظیر حرف آقای حاج رئیس الوزراء است و در عرض مواد پرگرام نیست . لیکن چه کنم این جزئی را هم میگویم تا شرکت داشته باشم با آن آقایانی که جزئی گفتند و آن مسئله بلدییه است . يك قانونی از مجلس گذشت که مأمورین دولت باید لباس وطنی بپوشند که سالی اقلأ يك میلیون بر اقتصادیات مملکت تفاوت حاصل شود . آقایان : بلدییه اعلان کرده است غیر وطنی بپوشند !! پارچه اش را هم معین کرده است نذری بیست و پنج یا بیست و هفت قران این بلدییه کجا است ؟! مگر مال این مملکت نیست .... آقا سید یعقوب - بودجه اش را رأی نمیدهم .

مدرس - بچه مناسب است ؟! مگر دولت مستقلاً است غیر از دولت مشروطه که مرجعش مجلس است ؟! یکی اینکه هر روز صبح رد میشویم می بینیم فالانجا را خراب کرده اند

خوب خراب میکنند پولش را بدهند ...  
دشتی - میدهند  
مدرس - کی میدهند ؟ بیکش را بفرمائید  
دشتی - برای مصالح عموم است  
مدرس - برای مصالح عموم بیایند کلاه من را بردارند ؟  
هر روز بیایند خانه منرا خراب کنند و پولش را بدهند ؟!  
در دنیا کجا است که ما بیکش باشیم ؟! هر کدام اینها دولت مستقلاً هستند ؟! باید تابع قوانین این مجلس باشند .  
میخواهند باشند نمیخواهند آنها را بخیر منرا سلامت .  
جمعی از نمایندگان - تنفس  
رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود .  
( در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )  
رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع در اطاقی که قبل از دستور کردند گویا سوء تفاهمی برای بعضی از آقایان تولید شده است و میل دارند توضیح مختصری بدهند .  
حاج آقا رضا ( رفیع ) - عرض کنم در ضمن مذاکراتی که راجع بکفایت مذاکرات شده بود استی از آقای تقی زاده برده شده بود و بنده هم چو تصور کرده که ایشان نسبت به بودجه وزارت فوائد عامه مذاکرات را کافی میدانسته اند ولی در تنفس که با ایشان مذاکره شد معلوم شد ایشان هم با ما هم عقیده بوده اند و میل داشته اند که باید يك قدری صحبت کرد مخصوصاً راجع به جنگل . این بود که خواستم عرض کنم ایشان در آنموقع همچومیلی نداشته اند و مذاکرات را کافی ندانسته و می خواستند که بیشتر در این خصوص مذاکره شود

رئیس - آقای یاسائی  
فهیمی - آقای مدرس در ضمن فرمایشاتشان فرمودند ...  
بعضی از نمایندگان - آقای یاسائی را فرمودند





دوره ششم تقنینیه

# مذاکرات مجلس

شماره  
۸۱

جلسه  
۱۱۶

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنجشنبه ۱۸

خرداد ماه ۱۳۰۶

مطابق ۹ ذیحجه

۱۳۴۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

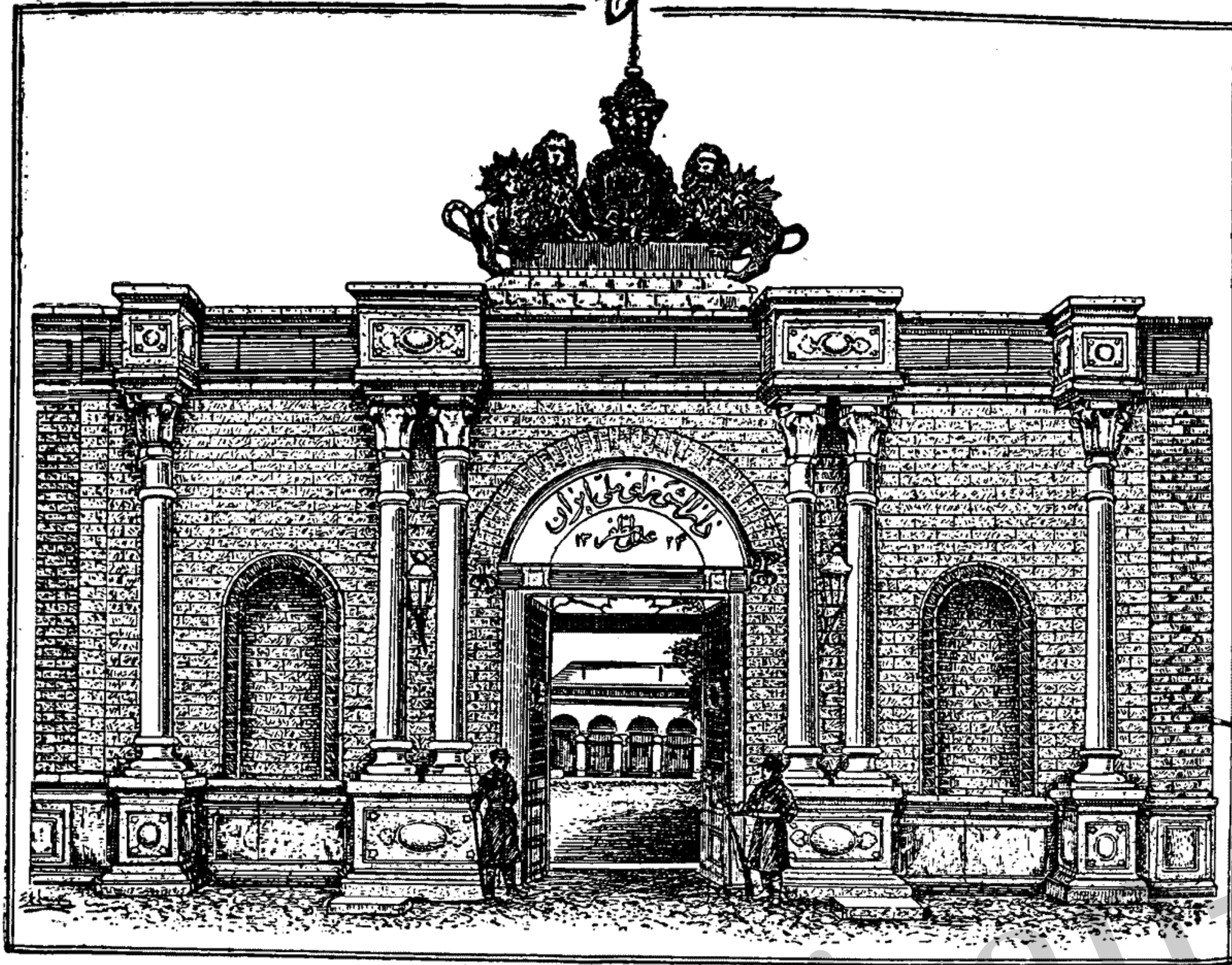
خارجه « دوازده تومان »

قیمه تك شماره

يك قران



## فهرست مندرجات



# مذاکرات مجلس

## دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۸ خردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۹ ذیحجه ۱۳۴۵

### جلسه ۱۱۶

(مجلس دو ساعت ونیم قبل از ظهر برپاست آقای  
مرآضی قلیخان بیات نایب رئیس تشکیل گردید)  
(صورت مجلس روز سه شنبه شانزدهم خرداد را  
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: اسفندیاری - انصاری - حیدری مکرری - فرشی  
عدل - زعیم  
غائبین بی اجازه جلسه قبل

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت بخرکیدیون بودجه راجع باضافات بودجه ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه	۱۶۲۴	۱۶۲۸
۲	تقدیم طرح قانونی راجع باختصاص عشر حقوق مستخدمین برای تأسیس شرکت نفت کیلان و تنکابن و ارجاع آن به کمیسیون مبتکرات	۱۶۳۱	۱۶۳۳
۳	اقتراح اسامی نه نفر از آقایان نمایندگان برای تشریف بحضور اعلیحضرت همیونی و عرض تبریک	۱۶۳۹	
۴	معرفی آقای پاک روان بسمت کفالت وزارتخارجیه در غیاب آقای وزیر خارجیه از طرف آقای رئیس الوزراء	۱۶۳۹	



آقایان: تایید آن اعضاء - حاشی - نوبت - حج  
حسن آقا ملک

در آستانگان - اجاره جلسه قبل

آقایان: دشتی - آشتیانی - مهرداد

در آستانگان - اجاره جلسه قبل

آقایان: شریعتی - مهرداد - مهرداد حسناخان و ثوق  
میر - احمدخان بند

نایب رئیس: صورت جلسه شورای عالی

(تفصیلات)

نایب رئیس: صورت جلسه انجمن

بعضی از نمایندگان - بی دستور

نایب رئیس: دستور لایحه طاقت وزارت فوائد

عامه است - آقای دشتی

دشتی: بنده از دو چیز تعجب دارم یکی از اینکه

بعضی تصور میکنند که مخالفت و موافقت با یک لایحه

مستلزم مخالفت و موافقت بهیشت دولت باشد در صورتیکه

اینطور نیست در ملکات بخرجه که هیئت دولت از اکثرین

ها انتخاب می شوند یعنی از حزب اکثریت انتخاب می

شوند هیئت دولت اولا خود را مطابق با راه حزبی یعنی

مرام اکثریت ترتیب میدهد با طبیعت مخالفت و لایحه مخالفت

بهیشت دولت است ولی در ملکات ایران در یک حزب

اکثریت موجود نیست و دولت هم از اکثریت حزبی مجلس

انتخاب نمی شود از این جهت مخالفت بنده بود چه اضافی

وزارت فوائد است چه چاره مستلزم مخالفت و درات

نیست بنده که شش نفر آقایان را این اهمیت درجه علاقه با

دارم و ایشان را یکی از اشخاص خوب از ملکات میدانم

که در فضائل روحی نظیر ایشان کمتر است و تعجب دیگر

بنده از این است که یک لایحه اضافی را که یک وزیر

می آورد با مجلس با یک بودجه که به مجلس شورای

ملی می آید وزیرانی که بعد از آن وزیر می آیند عین

آن لایحه را تصدیق میکنند مثل اینکه تمام وزراء این ملکات

متحد اشکل هستند باینکه پشت میز وزارت یک اثر خاصی  
دارد که وزیر پشت آن میز که رفت باید تمام لوابیجی را  
به آن وزیر سابق داده است و او اینکه از یک انقضه  
نظرهایی بوده است باید تصدیق کند

بدانفر از نمایندگان - عده برای مذاکره کافی

نیست

نایب رئیس: چون عده کافی نیست تنفس داده

می شود

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بعد از

استراحت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس: آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه: یک فقره لایحه است راجع به تخصیص

نوائد مستغلات شهر طهران به مالیه و دو فقره دیگر

هم راجع به تبدیل حقوق شخصی است که یک مدتی برای

صغر دولت از مستخدمین وزارت فوائد عامه و مالیه

که شرایط انعقاد در بره آنها بواسطه حاضر نبودن سند

و مدارك جمع نبوده است ولی سنوات خدمت را کافی

دانسته و تقدیم میشود

نایب رئیس: به کمیسیونهای مربوطه ارجاع میشود

آقای شیری

شیری: تا اینکه عده برای کار کردن حاضر شوند

بنده از مقام ریاست تقاضا کردم که اجازه بفرمایند یک

طرحی است میخواهم تقدیم کنم در بین اشخاصی که

راجع به اصلاحات یک علاقه هائی دارند به این ملکات

غالباً خیلی صحبت میشود صحبت اصلاحات را زیاد

میکنیم بطوریکه در اطراف یک مسائلی حرف میزنند

اصلاح قضایی، اصلاح فلان اداره، اصلاح فلان

قوه، ولی متأسفانه قدم عملی که برداشته شود نیست

غالباً همین حرف زده میشود و آن گویانده های حرف

در موقع عمل اثری از خودشان نشان نمیدهند آقایان

اطلاع دارند که کمیسیون بودجه (فرمایش آقای نفی

زاده که میفرمودند یک کسی پیدا شود که یک قده  
شجاعانه برای این مملکت بردارد) یک قده شجاعانه برداشت  
و یک دستی به اشل زد البته این مسئله چون اصطکاک و  
منافع شخصی باعده داشت حتماً باید درین مسئله یک تظاهراتی  
نشود زیرا میشود گفت چرا این تظاهرات شده است  
مقصود کمیسیون بودجه چه بود؟ مقصود کمیسیون بودجه  
بالاخره دشتی، باعده نبود و نمیخواست این باعده را  
کم و زیاد بکند مقصود کمیسیون بودجه این بود که  
یک صرفه جوئی در بودجه ملیتی باشد یک مبلغی پول  
بدست بیورد و بالاخره آن پول را صرف یک امور  
اقتصادی کند که نتیجه همین مستخدمین هم از آن  
استفاده نمایند مثلاً ما میخواهیم داخل در یک جریانات  
و مسائلی که نتیجه این صرفه جوئی میشود بشود  
آزاد گذاریم به نظر دولت که دولت یک لوابیجی برای  
کارهای اقتصادی بیورد آقایان این مسئله را تصدیق  
میکند پس که موضوع شرکت در این ملکات یک موضوع  
بفرنجی است

تأسیس شرکت در این ملکات همیشه دو مانع بزرگ برمیخورد  
یکی از آن مانع طبیعی تقریباً نبودن پول است امروز  
متمم ترین اشخاص این ملکات نمیتوانند یک مبلغ  
معتناسی که بتواند آنرا بخرند شرکت خودش در یک  
کمیانی قرار دهد تهیه کنند و یک پول نقدی هیچوقت  
نمیتواند برای این کار راه بندد از آنجمله این ملکات  
با سرمایه دولت و اعتبار کار می کنند که ما مردم  
را میکشند و پس میدهند ولی اگر بنا باشد برده  
برداشته شود می بینیم چیزی در بین نیست این یک  
نکته نکته دیگر اینست متأسفانه شاید به تحریک خارجی  
یک ترکیبانی در این ملکات تولید شده است برای اینکه  
شرکت در ایران سر نگردد و این دو مانع بزرگ همیشه  
در جلسه یک فده پهای بزرگ اقتصادی که در  
درجه اول باید تأسیس شرکت آنرا شروع کنند عرض  
اندام کرده است در این قبیل مواقع و در این قبیل

محیطها و ممالک که ما زندگی می کنیم به عقیده بنده غالباً  
باید اصلاحات را بزور تحصیل کرد ولی بزور قانون یعنی  
باید اصلاحات را بزور قانون تحصیل کنیم بنده در  
بین این مذکورانی که میشد و در ضمن این حرفهای  
که زده میشود که یک فکری بزی پیشرفت امور اقتصادی  
بندیم یک فکری بنظره رسید و یک عده از آقایان راه  
همراه کرده که یک حسن استقبالی عرضه کرده اند  
یک طرحی تهیه نموده اند و آن این است که همان صرفه جوئی  
که میخواستیم بکنیم نکنیم و بهمان سیاست که عرض  
کرده که سرمایه معتدلهای پیدا نمیشود و حسن اعتمادی هم  
در این مملکت وجود ندارد از سرمایه بودجه  
مملکتی تأسیس یک شرکتی بکنیم که هم آن مقصود  
اصبی ما که در کمیسیون بودجه دشتی که پیدا کردن محی  
در نتیجه صرفه جوئی و صرف کردن بزی یکی از کارهای  
مهم اقتصادی باشد بکار آمده باشد و هم به اشخاص  
ضروری نخورده و تخمینی هم به جامعه نشده باشد بنده  
بنظره رسید که مهمترین کار اقتصادی و بزرگترین قدمی  
که امروز مملکت ما باید بردارد برخلاف عقیده بعضی  
رفقا که بوی اقتصادیت حرف میزنند نفت است یک  
ملکاتی که روی نفت خوانیده است و بفرمایش آقای  
کاررونی در نیمه دنیا نفت او ارزانیتر از مملکت خودش  
سرف می شده ما در این مملکت باید الان در سال  
چهار میلیارد پول نفت و بنزین بدهیم

بگفتن نمایندگان - خیلی بیشتر  
شیری - شاید بیشتر باشد ولی بنده ماخذ ۱۳۰۵  
را عرض کرده که رجوع به استیستیک کهرکی کرده  
بالاخره ما باید یک مبلغ معتناسی پول نفت و بنزین  
بدهیم در نتیجه این طرحی که بنده تقدیم  
کردم اول منفعت این است که ما پول نفت و بنزین  
نمیدهم بعد از یک سال دو سال دو سه سال این است که  
راه تأسیس شرکت و منفعت شرکت را نشان میدهم  
که یک نفر آمده از عایدات خودش میتواند در سال



يك مبلغ جزئی صرف تأسیس يك شركتی كند و در عرض ده سال یکی از زوئتمندان مملکت بشود بنده پیشنهاد کرده ام که يك عشر حقوق مستخدمین یعنی کلیه موظفین خزانه دولت اعم از وکلای وزراء مستخدمین لشکری و کشوری را صرف تأسیس يك شركتی بکنند به منفعت خودشان یعنی يك عشر از حقوق خودشان را برای استخراج نفت گیلان و تنکابن به منفعت خودشان تخصیص بدهند و يك شركتی تأسیس کنند و سهامی به نفع آنها صادر شود و تا مدت ده سال این معامله بشود استثنائاتی هم ذکر شده است که الان امتدعا میکنم اساساً طرح بنده را قرائت فرمایند ممکن است بنده در انشاء عبارت و در اصل موضوع اشتباهی کرده باشم و استدعائی که از همکاران محترم دارم این است که بایک فوریت این طرح موافقت فرمایند یعنی میروند به کمیسیون مبتکرات بعد که میآید به مجلس و قابل توجه میشود بیک فوریت آن رأی بدهند که در کمیسیونهای مربوطه طرح شود و موادش بایک طرزى بانظر دولت تنظیم شود و البته بنده ادعا نمیکنم که همه اش را خوب نوشته ام . فقط اصل موضوع و مقصود را نوشته ام و در صورتیکه مقصود به عمل آید بعقیده بنده بعد از ده سال مایکی از مهمترین منابع خودمان را بکار انداخته ایم بدون اینکه سروصدائی بلند شود یا ضرری بکسی خورده باشد

( طرح مزبور بشرح ذیل قرائت شد )

ماده ۱ - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که شركتی بنام ( شركت سهامی گیلان و تنکابن ) تحت نظارت بانک ملی ایران تشکیل دهد .

ماده ۲ - سرمایه اصلی این شركت از وجود حاصله عشر حقوق کلیه موظفین خزانه دولت ( از هر طبقه و مقام ) تشکیل خواهد یافت . و وزارت مالیه مکلف است از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ده سال در رأس هر ماه عشر حقوق موظفین دولت را کسر نموده در مقابل آن سهم ( شركت سهامی نفت گیلان و تنکابن ) بپردازد

تسلیم نماید

تبصره اول - موظفین دولت تا مدت ده سال مجبور بقبول سهام مزبور بوده و در انقضای این مدت آزاد هستند که سهام مذکور را خریداری نموده بپایانند :

تبصره دوم - افراد نظامی - پلیس - امنیه - صاحبمنصبانی که کمتر از سی و دو تومان حقوق میگیرند و همین طور مستخدمین رتبه ۱ کشوری در خریداری سهام این شركت آزاد خواهند بود .

ماده سوم - مجلس شورای ملی امتیاز انحصاری کشف و استخراج نفت و کایه مواد مربوطه به نفت ( در محوطه فعلی گیلان و تنکابن ) برای مدت سی سال بشركت مرقوم در ماده اول میدهد .

ماده چهارم - حقوق دولت صدی ده از عایدات خاص خواهد بود

ماده پنجم - سرمایه این شركت منحصرأ صرف کشف و استخراج نفت گیلان و تنکابن و مؤسسات مربوطه به استخراج نفت خواهد شد .

ماده ششم - عایدات حاصله شركت پس از وضع صدی ده حق دولت تا مدت ده سال باصل سرمایه شركت ضمیمه شده و معادل آن سهام جدید باسم صاحبان سهام صادر می گردد و پس از ده سال منتظماً مطابق معمول بسین صاحبان سهام تقسیم خواهد شد .

ماده هفتم - سایر افراد اهالی مملکت می توانند سهام این شركت را خریداری نمایند .

ماده هشتم - وزارتین مالیه و فوائد عامه هر يك در حدود وظائف خود مأمور اجراء این قانون بوده و مكلف هستند نظامنامه آنرا با نظر رئیس بانک و متخصص نفت تنظیم نمایند .

نایب رئیس - بکمیسیون مبتکرات مراجعه میشود آقای فیروز آبادی پیشنهادی کرده اند قرائت میشود ( این طور خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم لایحه اضافات فوائد عامه و خارجه

از دستور امروز خارج شود

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در این پیشنهاد چند نظر دارم یکی اینکه امروز جا داشت که ما اصلاً تعطیل کنیم چون روز عرفه است و باید تعطیل شود حالا منتهی مجلس ملتفت نبود و گذشت و از طرف دیگر فعلاً وقت گذشته است و این بودجه فوائد عامه مذاکرت زیاد لازم دارد از این جهت ما موفق نمیشویم که آنرا تمام کنیم و میباید برای جلسه دیگر زیرا هوا فوق العاده گرم است و نمیشود مذاکرات را ادامه داد و ذهان حاضر نیست که در این مواد درست دقت کنند بعلاوه بعضی کارهای دیگر هم هست از قبیل استقراع که باید حضور اعلی حضرت همایونی بروند بین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - پیشنهاد آقای فیروز آبادی با سلیقه خودشان که همیشه با اضافاتی که میآید و بیخارجی که میآید مخالفت میکنند خیلی سازش دارد ولی برای يك وزارتخانه که برحسب قواعد کاری که داشته است يك تعهداتی کرده است و يك کارهایی کرده است البته باید مطرح شود و صحت و سقمش معلوم شود که اصل بودجه را تنظیم کنند زیرا نیامدن بودجه در مجلس بواسطه این است که هنوز بودجه اضافات نگذشته است و این که میفرمایند که مجلس میباید امروز تعطیل شده باشد روز عرفه است صحیح است ما هم انشاءالله مسلمان هستیم این مجلس هم مجلس مسلمانهاست . تمام وکلاء هم مسلمانند ولی چیزیکه هست باید قضیه را تحت مطالعه قرار بدهند و بیک شکلی تمام کنند . اگر چنانچه ما بخواهیم به امروز فردا و خروج از دستور قائل شویم بالاخره موفق به تنظیم بودجه نخواهیم شد بنا بر این هیچ مانعی ندارد که لایحه مطرح شود و تسکینش معلوم شود

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند ( عدۀ قلبی قیام نمودند )

نایب رئیس - تصویب نشد . آقای دشتی دشتی - یکی از آقایان نمایندگان بعد از تنفس به بنده اظهار فرمودند که در حین مخالفت با لایحه وزارت فوائد عامه لازم نبود بگوئی به دولت موافقم . بله بنده برای این مسئله را گفتم که موافقین دولت بدانند که هر لایحه که دولت بمجلس تقدیم میکند نباید خودشان را ملزم بدانند که از اودفع بکنند . بعقیده بنده این لایحه بهیچوجه محل احتیاج نیست مخصوصاً لوائح بودجه را میخواهم عرض کنم که تمامش به شفاعت و توفیق و بلاخره کار پیدا کردن از برای بیکارهاست که همین مسئله مستلزم شده است که روز بروز بودجه دولت زید شود . ما ابدأ تناسب قوه مولده را با قوه مستهلکه در نظر نداریم یعنی در نظر نداریم که این مملکت در چه حالی است نجر و زارع در چه حالی هستند و بالاخره این بیست و چهار پنج میلیون ناچه وضعیتی از این مملکت گرفته میشود و يك قسمت اعظمش صرف ایجاد کار برای بیکارها میشود در صورتیکه دولت آقدر مستخدم لازم ندارد . بقول آقای یاسائی که گفت آدم يك وقت بقل است يك وقت ناچر است البته وقتی ناچر است بیشتر مستخدم لازم دارد اما اگر يك بقالی بخواد به اندازه ناچر برای خودش مستخدم بیاورد البته زود از بین میرود و بنده حاضریم که تا هر يك از آقایان برویم در این وزارتخانهها و ملاحظه فرمایند چقدر اعضاء بیکار در وزارتخانهها ریخته اند . بله ما مستخدم لازم داریم . اما این مستخدمین باید در حدود احتیاجات و متناسب با قوه مولده ثروت باشد و اگر بنا باشد این ترتیب پیش برویم بنده تصور میکنم که تا دو سال دیگر ابدأ مملکت قوه ادای مالیات نداشته باشد . مجلس هیچوقت با بودجه مخالفت نمیکند و مخالفتش با بودجه مستخدمین است . اگر دولت يك بودجه بیاورد به مجلس که آن بودجه بمصرف يك کارهای عام المنفعه



و يك كار هائی كه محل احتياج باشد رسد البته آقایان نایبندگان رأی می دهند اما يك بودجه كه قسمت اعظمش مربوط است به اضافه كردن مستخدمین مثلاً بنده اطلاعات خیلی مختصری كه در این باب دارم این است كه آرشيو فقط پنج عضو دارد ولی اداره محاسباتش هشت عضو دارد و این فرع زائد بر اصل است. محاسبات وزارت فوائد عامه تا هشت ماه قبل بسی و يك عضو داشت و امروز متجاوز از صد و بیست نفر عضو دارد يك علت عمده اش این است كه سابقاً بنده مستخدمینی كه در نواحی مختلفه مشغول ساختن راهها بودند پولی حواله میدادند و این پول در تحت نظارت مالیه محل تصرف میرسید و تمام اجزاء مالیه در مصرف كردن آن پول نظارت میکردند، حالاً بعنوان نظر در اداره محاسبات هرناحیه يك نفر فرستاده اند و این پول مستقیماً بدست آن يك نفر میرسد و در تحت نظارت آن يك نفر هر طور بخواهد خرج میکند و این دو ضرر دارد یکی زیاد عده مستخدمین است و يك ضرر دیگرش این است كه سابقاً بطور اتم و اكمل این نظارت بعمل می آمد حالا يك نفر است هر طور دلش بخواهد همانطور میکند و بالاخره محاسبات وزارت فوائد عامه چیز غریبی شده است! مثلاً در بودجه طرق كه باید صرف راه سازی بشود هشت نفر در بودجه محاسبات پول می برند. دفتر دار مدرسه تجارت جزء محاسبات است و از آنجا پول می گیرد. این چه دیگر روشانی شده است عضو زیاد کنند. از این جهت اعضاء سایر ادارات هم جزو خودشان آورده اند در صورتیکه همین اداره محاسبات با همان دو سه عضو لایق سابقش اداره میشود و اگر سایرین ناخوش شوند تصور نمیکند امور اداره محاسبات معوق بماند ملاحظه فرمائید رئیس محاسبات وزارت فوائد عامه شب عبید میخواست برود رشت گردش کند صد و شش تومان و پنجقران بعنوان تقنیش گرفته است و مقصود بنده از ذکر این مطالب این است كه از این قبیل خیلی زیاد است و در وزارتخانهها يك بودجه كه

مايك صورت غریب و عجیب توسعه می یابد. مثلاً فرض کنید كه بنده در وزارت هوا پنهانی هستم يك پسر خاله دارم كه تازه از قشقه آمده است و زن ندارد بخورد. شپروانی - از بوشهر دشتی - خوب از بوشهر - آنوقت پیشنهاد میدهم به آقای معاون یا آقای وزیر كه ما در پرسنل يك نفر لازم داریم یا حقوق شصت تومان معاون بچهارم هم كه تمیذاند این شصت تومان از كجا می آید و چطور قران قرن از بیوه زنهای این مملكت گرفته میشود و در خزانه مملكت جمع میشود. و بد هم میشود نباید قوی اداره و بدینند كه آنها هم كه آنجا نشسته اند بیکارند. میگوید خوب چه اهمیت دارد يك نفر هم به زن برسد. مثل اینکه وزراء و معاونین خیال میکنند كه هیئت دولت يك آدم كردن كلفت متمولی است كه این پول از آسمان برایش می آید از این جهت میگویند چه اهمیتی دارد. به این یکی كار میدهند! به آن یکی كار میدهند! در صورتیکه باید در نظر بگیرند كه این پولها با چه فشار و بدبختی جمع میشود و برای جمع كردن نه كرور عایدات تقریباً سی كرور مردم خسارت وارد می آید و مأمورین مالیه يك كار هائی میکنند كه مردم حقیقه از تولید ثروت و از بسط زراعت بكلی بیزارند. چون مأمورین هستند تا بخواهند يك زمین را احیاء کنند فوراً مأمورین مالیه می آیند و پدرشان را در می آورند آنوقت این آقای معاونی كه بكلی از این قضایای اطلاع است رأی میدهد كه عضو زیاد شود. اگر كار در وزارتخانهها زیاد است چه علت دارد كه نصف روز كار میکنند؟ همین وزارت جنگ ما بنده مكرر شده است كه با اركان حرب كل كار داشته ام. ساعت ده بعد از ظهر بوده است تلفون کرده ام و دیده ام كه خود رئیس كل با اعضایش تماماً نشسته اند و دارند كار میکنند. بالاخره اگر بخواهند ساعات و اوقات كار را دو ساعت قرار بدهند بیشتر محتاج اعضاء خواهند شد میگویند در ممالك

خارجه (یعنی در بعضی از ممالك خارجیه) يك وقتی كار میکنند. این صحیح است. ولی بقول آقای نقی زاده آن يك وقت كار كردن يك نوبه فاصله در كارشان نیست و در مدت شش ساعت تمام كارهای خود را انجام میدهند. اما این جا كاری ندارند صبح چهار بظهر مانده می آیند اداره و ظهر بلند میشوند میروند بنده خودم شخصاً اطلاع دارم كه عده زیادی از اعضاء از بیکاری شكایت می کنند. بالاخره بنده با حسن ظنی كه نسبت به آقای رئیس الوزراء دارم تقاضا می كنم كه این لایحه را با سایر لوایح كه سابقاً آمده است ببرند و اصلاح کنند اگر فكر میکنند كه يك عده بیکار میشوند حقوق انتظار خدمت با آنها بدهند زیرا اولاً بصره دولت است و ثانیاً بودجه اصلاح میشود. مثلاً لایحه راجع بره آهن را برروز آورده بودند يك كمیسیون بودجه برای ذوب آهن سه چهارم معاون و پرسنل و محاسبات و بالاخره تمام مؤسسان كه برای يك وزارتخانه درست میکنند اینرا هم همینطور پیش بینی کرده بودند ملاحظه فرمائید اداره ذوب آهن محتاج به پرسنل و محاسبات نیست. سی هزار تومان بودجه برای این مؤسسه نوشته شده در صورتیکه اگر از روی صرفه جوئی مینوشتنند از چهارده هزار تومان و پانزده هزار تومان تجاوز نمیکرد بنده از شخص آقای رئیس الوزراء كه ایپاکی نیت ایشان نهایت درجه عقیده را دارم استدعا میکنم كه این لایحه را اصلاح فرمائید كه مادر محظور نباشیم زیرا حقیقه وجدان انسان در رأی دادن بان لوایح منزلت است. مثلاً مؤسسه فلاحترا بنده خیلی میل داشتم كه بدیم تا بحال چه كار کرده است و از این مؤسسه چه خیري بمملكت رسیده است. اگر قصدشان اینست كه رئیس مدرسه فلاحت در مكر بگوید كه مثلاً به مردم اطلاع بدهند كه سبب زمین را چطور باید بكارند این دیگر لازم متخصص نیست در صورتیکه ممكن است چهار نفر مترجم بیابند و كتی را كه راجع بفلاحت است ترجمه کنند و مردم بیاموزند. بنده نمیخواهم این



مؤسسه را رد کنیم ولی میخواهم ببینم تا بحال چه کرده است که بودجه اش که می آید هی اعضا زیاد میشود پرسنل ، محاسبات ، معاون فنی ، معاون اداری ، چیز عجیبی است !! بنده نمیدانم وزارت فوائد عامه چه امتیازی به سایر وزارتخانهها دارد که سه جور معاون پیدا کرده است و بالاخره بنده عرایض خودم را خانمه میدهم چون آقای آقا سید یعقوب مفصلاً در اطراف جزئیات صحبت کرده اند بنده دیگر وارد ارقام نمیشوم و همین قدر عرض میکنم که این بودجه مطابق احتیاجات مملکت نوشته شده است و توصیه و سفارش این بودجه ها را دیکته کرده است و بالاخره از آقای رئیس الوزراء تقاضا میکنم که این لوايح را اصلاح بفرمایند بعد برای تصویب بمجلس تقدیم کنند .

رئیس الوزراء - بنده اولاً تشکر میکنم از تذکراتی که آقایان امروز و در جلسه سابق در موقع مذاکره در بودجه به بنده داده اند و بنده هم البته باید گوش بدهم و استفاده تمام اما در باب بودجه فوائد عامه خصوصاً در این قسمتی که حالا مطرح است بنده باید عرض کنم که در این قسمت چهار ماهش بنده نا اندازه که ممکن بوده است شخصاً دقت کرده ام حالا اگر آقایان بعضی از الفاظ مخالف باشند در معنی بنده اعتقاد ندارم و تصور نمیکم که رعایت اقتصاد نشده باشد و البته کاملاً شده است و عضوی که خارج از ضرورت باشد بنده قبول نکرده ام . يك نکته را هم باید رعایت کرد که بنده را که وارد کردند به فوائد عامه چه آنوقتی که مستقلاً وزیر فوائد عامه بودم و چه امروز که باز به بنده فرمایش میشود که در ضمن شغل دیگری فوائد عامه را هم داشته باشم در اینصورت بنده محتاج هستم به چند نفر اعضای که خودم بشناسم و به آنها اعتماد داشته باشم که بتوانم مطالب خودم را به آنها بگویم و آنها بروند اجرا کنند و برای من اطلاعات بیاورند و اگر این اعضا را نداشته باشم بنده نمیتوانم به آن اداره برسم زیرا اگر عرض کنم میرسم

يك ادعای بیموقعی خواهد بود . این اعضای که در بودجه چهار ماهه اضافات قبول شده اند که اکثرشان راجع به فلاحات هستند و چند نفرشان راجع به اداره مرکزی یکی دو تا هم مربوط به شخص من است که لازم دانسته ام اینها چیز زائدی ندارد آن قسمتش که راجع به مرکز است و بنده لازم دانستم حالا هم لازم میدانم و آن قسمتی که راجع به فلاحات است بنده و هر کس دیگری که وارد این کار بشود امروز نمیتواند تشخیص بدهد که این اجزائی که امروزه برای فلاحات با جنکل استخدام شده اند حکماً اینها ضرورت دارند یا ندارند بجهت اینکه این اداره در سال گذشته در آخر سال تشکیل شده است استخدام متخصص را هم قبلاً مجلس رأی داده بود که آوردند و در اواسط سال گذشته شروع بکار کرده است و يك اجزائی را لازم دانسته است که پیشنهاد کرده است بنده هم بعضی هایش را قبول کردم بعضی هایش را هم رد کردم . ما وقتی که متخصص می آوریم و او میگوید که من برای اینکه يك کاری را بکنم يك چنین اجزا و اعوانی را لازم دارم . باید از او قبول کرد بعد اگر دیدیم که زیادی است البته باید کم کرد ولی موقع آن در اول کار نیست . وقتی است که به بینیم متخصصی که این اجزاء را میخواهد چه کار میخواهد بکند . يك نکته را که میخواهم عرض کنم این است که : مکرر شنیده شده است که این متخصص فلاحات چه کار کرده است عرض میکنم بد بخت ترین متخصصین دنیا متخصصین فلاحات هستند . بجهت اینکه فرض بفرمائید متخصص راه آهن وقتی که می آید میرود در فلان صحراً و يك نقشه هائی میکشد و بعد از مدتی می بینیم يك کاری پیشرفت کرده است مثل اینکه بنده بدروز رفتم در اداره پلند دیدم يك نقشه هائی کشیده اند . وقتی که حساب کردم دیدم يك کاری از شان پیشرفت کرده است . متخصص طرق بعد از یکماه که می آید دو فرسخ راه را صاف کرده که میشود رفت و دید

اما متخصص فلاحات اینطور نیست متخصص فلاحات باید یکسال دو سال سه سال جان بکند تا يك نتیجه بر زمینش تملق بگیرد که باز هم متخصص دیگری میخواهد و الا در يك سال حاصل اینچنانرا نمیشود عوض کرد . بنده را نمیشود دو برابر کرد نمیشود آورد و آرزومود . اگر آقایان دقت کرده باشند قبل از اینکه ما متخصص از برای فلاحات بیاوریم با همان متخصصینی که در مملکت مان بودند يك مدرسه فلاحاتی اینجا دایر کرده بودند و يك کارهائی میکردند آقایانیکه نمایشگاه اول و دوم و سوم را دیده باشند و اینها را هم باید بگر فیس کرده باشند ملتفت شده اند که چه نتیجه برده اند . بنده چند جور بود . و حالا چند جور عمل میاورند . وجه جور است . همچنین سایر حیوانات . گندم . نخود . بالاخره ابریشم و جای سایر چیزهای دیگری که آنجا دیده اند . اینها چیزی نیست که در عرض ششماه بلکه یکسال يك نتیجه نظر گیری داشته باشد . و در اصل این اساس که اعضاء زیادی در وزارتخانه های ما هستند بنده مخالف نیستم . خودم هم معتقدم که زیادی هستند و در آن قسمت که ممکن است روزی پنج شش ساعت کار بکنند آن هم البته ممکن است و در هر موقعی کلیه معایب را ذکر کردن برای مذاکره بد نیست ولی ربطی بصل موضوع ندارد . مثلاً ممکن است گفته شود اعضاء وزارتنامه یا وزارت تعدلیه یا وزارت داخله زیاد است یا خود فوائد عامه در یکقسمتش زیاد است اما این ربطی به این بودجه چهار ماهه ندارد و تمام معایب وزارتخانه ها را در هر موقع جزئی و کلی بیان کردن بنظر بنده بکفداری اتلاف وقت است و حالا این بودجه چهار ماهه را در سه چهار قلمش بنده شخصاً نظر داشتم ولی در اقلام دیگرش برای اجزاء فلاحات که متخصص پیشنهاد کرده بود و بنده هم چون دلیلی بر ردش نداشتم و بلکه دلیل برای تعقیب کارش داشتم قبول کرده ام دیگر اینکه در اینجا راجع به ذوب آهن فرمودند عرض میکنم این بودجه را بنده شخصاً نوشته ام و تمام اقلامش هم به رأی من است ولی اینجا يك

عیبی ندارد و آن این است که شنیده ام آقایان در کمیسیون بودجه ایراد گرفته اند ولی متوجه اصل مطلب نبوده اند بودجه آهن ذوب کفی امروز در وزارت فوائد عامه طوری شده است که سه قسمت شده است . چرا شده است ؟ برای اینکه مجلس شورای ملی در جزء سه قانون این ترتیب را تصویب کرد . اول آمده اند و يك قانونی تصویب کرده اند برای متخصص آهن ذوب کفی و در آن ضمن يك دویست و پنجاه هزار تومان برای نقشه برداری به این کار خانه محل داده اند . مالیه آن قسمتی را که راجع میشود به آهن آب کفی و نقشه برداری این را يك بودجه علیحده میکنند چون راجع بمحل دویست و پنجاه هزار تومان است . بعد آمده اند مهندس دیگر تصویب کرده اند گویا با مهندس نفت در ضمن يك قانونی تصویب کرده اند و يك صد و پنجاه هزار تومان به او محل داده اند این کار را که میکنند برای این است که میگویند این محل غیر از آن محل است . در صورتیکه مهندس نفت که حالا نیامده است ولی این مهندس معرفه الارضی و این شیمیستی که آمده است این سه تا با مهندس آهن ذوب کفی يك اداره است و در یکجا هستند و يك کار میکنند ولی سه تا بودجه دارند بدلیل تصویب مجلس و حفظ قوانین محاسبات مالیه . و بنده در موقعش که رسید خودم عرض خواهم کرد که در این بودجه آهنی ذوب کفی بر حسب این تقسیم ممکن است بگویند يك عضوش زیاد است ولی زیادی نیست خصوصاً توضیح خواهیم داد که این عضو کار هر چهار نفر مهندس را در اداره باید راه بیندازد ولی اگر در اقلام بودجه مذاکرانی هست از عهده بنده خارج است زیرا هم معاون بنده اینجا حاضر است و هم از طرف کمیسیون دفاع خواهد شد

نایب رئیس - آقای ایلخان پیشنهاد ختم جلسه کرده اند ؟ مخالفی نیست ؟  
شیروانی - بنده مخالفم  
نایب رئیس - آقای ایلخان



امیر حسینخان ( ابلخان ) - این پیشنهاد بنده توضیحی لازم ندارد چون الساعه يك مقداری از ظهر گذشته است و هوا هم گرم است بهتر این است که بقیه مذاکره در این لایحه به جلسه بعد موکول شود و جلسه ختم شود

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - البته جلسه ختم خواهد شد این طبیعی است ولی مخالفت بنده با ختم جلسه برای این است که مذاکرات در این باب کافی شود و بعد از کفایت مذاکرات جلسه ختم شود و پیشنهاد هم کرده ام

نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست گمان میکنم همانند برای جلسه بعد نظر باینکه فردا باید هیئتی شرفیاب حضور اعلی حضرت شوند مخالفی نیست که همان نفر سابق باشند؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس الوزراء - بموجب ضرورت آقای پاك روان را

( مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد )

در غیاب آقای وزیر امور خارجه بسمت کفالت آنوزارتخانه معرفی میکنم

نایب رئیس - ( خطاب به آقای فیروز آبادی ) چون عده برای رأی کافی نیست گمان می کنم باید پیشنهادتان را پس بگیرید و همان نفر که سابقاً هم معمول بوده است معین خواهد شد .

فیروز آبادی - پس میگیرم

( اقتراح بعمل آمده و آقایان مفصله الاسامی ذیل برای شرفیابی معین شدند )

آقای آقاسید یعقوب - آقای آوانس خان مساعد - آقای عباس میرزا فرمانفرمائیان - آقای فیروز آبادی - آقای طباطبائی وکیلی - آقای لیقوانی - آقای شریعت زاده آقای آبه الله زاده خراسانی - آقای عصر انقلاب

نایب رئیس - جلسه آئینه روز یکشنبه چهار ساعت

قبل از ظهر دستور خبر کمیسیون بودجه راجع باضافات

بودجه ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه و وزارت امور خارجه